معرفت نامه

دینی، علمی، فرهنگی، اجتماعی
ارگان نشراتی انجمن اخلاق و معرفت
دفتر ساحوی جمعیت اصلاح افغانستان

۱۷۹

سال پانزدهم، شماره‌ی یازدهم، جدی۱۳۹۶ هجری شمسی، مطابق با ربیع الثانی ۱۴۳۹ هجری قمری، برابر جنوری۲۰۱۸ میلادی

دربرگ های این شماره:





چشمه سار قرآن وسنت

لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى.

صحیح البخاری

رخت سفر نبندید مگر برای زیارت سه مسجد: مسجد الحرام ، مسجد النبی – صلی الله علیه وسلم و مسجد الأقصی.



معرفت نامه دینی، علمی، فرهنگی، اجتماعی

صاحب امتیاز: جمعیت اصلاح افغانستان

دفتر ساحوی هرات(انجمن اخلاق ومعرفت)

مدیر مسئول: عبدالقدیر « صالحی» ۰۷۰۰۴۱۴۸۶۶

سردبیر: عبدالخالق احسان ۰۷۸۹۰۰۸۱۵۲

هیأت تحریر:

محمد سهراب ناصری، بصیراحمد مبصر

سید مسلم لبیب، عبدالرحمن عزام.

دیزاین: عبدالظاهر « فیاض »

* معرفت مطالب چاپ شده را به جز سرمقاله الزاماً بیانگر مواضع خود نمی داند.
* از پیشنهادات، انتقادات و مطالب ارسالی شما استقبال می شود.
* حق ویرایش و پیرایش را برای خود محفوظ می داند.
* معرفت از همه قلم به دستان و فرهنگیان کشور تقاضای همکاری معنوی دارد.
* نوشته های تان را به نشانی دفتر انجمن اخلاق و معرفت – بخش نشرات ویا از طریق ایمیل ماهنامه برای مان بفرستید.

* آدرس: سرک باغ آزادی، جاده ابن سینا، ابن سینا –۱ – انجمن اخلاق و معرفت

تلفن: ۰۴۰ – ۲۲۳۷۰۱۲

جاهای فروش:

کابل: چهار راهی انصاری، انتشارات رسالت، سرک سیلو، بلاک های شاداب ظفر، انتشارات اصلاح افکار.

هرات: انتشارات ابن عربی، فاروقی، محمدی، ندای اسلام، آفاق ودیگر کتباخانه های شهر.

بلخ: شهر مزار، شرق روضه، عثمانی مارکت، منزل سوم، کتابخانه عمومی رسالت. مبایل: ۰۷۹۹۳۷۹۳۲۴

فراه: شهر فراه، قلعه ارباب، چهار راهی مولوی، مرکز علمی فرهنگی توحید ۰۷۹۴۳۵۵۹۷۳

بادغیس: شرق مسجد جامع بزرگ، مارکت برادران امینی، منزل دوم، کتابخانه امام ابوحنیفه(رح). ۰۷۹۷۸۸۴۸۵۸

تخار: بازارچه کتاب، کتاب فروشی مولوی‌حبیب الرحمن. مبایل ۰۷۷۹۶۳۴۱۹۲

نیمروز: شهرزرنج، سرک د افغانستان بانک ، جنب ریاست زراعت دفتر جمعت اصلاح ۰۷۹۵۷۷۴۴۲۵

بغلان: شهر پل خمری، عقب کابل بانک، آموزشگاه اندیشه، دفتر ساحوی جمعیت اصلاح ۰۷۰۵۴۹۳۵۱۲

تیراژ: ۱۳۰۰ جلد با توزیع همزمان در هرات و بلخ

مسئول عمومی توزیع معرفت: محمد قاسم محق ۰۷۹۸۶۰۴۳۲۶ – ۰۷۸۵۲۶۳۷۷۳

پست الکترونیک: Marefatmonthly@yahoo.com

آدرس وب سایت: www.eslahonline.net

آدرس وب سایت جمعت اصلاح هرات : www.akhlaqmarefat.com

تلگرام : @akhlaqmarefat

قیمت هرشماره ۱۵ افغانی

چاپ: شرکت چاپ و نشراسلمی

شمال پارک مسجد جامع بزرگ هرات ۲۲۲۹۶۶۴

سرمقاله

اجابت از درِ حق، بهر استقبال می آید

سنت الله متعال است که در امتداد تاریخ، هرگاه قوم و ملت و امتی دست به طغیان و سرکشی و ستمگری زد، ایشان را در ورطه‌ی هلاکت و نابودی قرار داده و با گونه‌های مختلفی، به عذاب شان گرفتار نموده است. در این زمینه، قرآن گواه آشکاری است که در لابلای اوراق زرین خویش، نابودی اقوامی همچون: قوم نوح، عاد، ثمود، اصحاب اخدود، اصحاب فیل، ستم‌پیشه‌گان قریش از قبیل ولید بن مغیره و ابولهب و... را به روایت گرفته و بیان داشته است که این بیچاره‌گان را در دنیا نفرینی است توأم با ذلت و در آخرت نیز رسوایی و بدنامی بزرگ، در انتظار شان است: {وَأُتْبِعُواْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ} [هود:۶۰] در این دنیا و در جهان واپسین لعنت شدند و همینانند که {خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ} [حج:۱۱] هم دنیا و هم (نعمت و سعادت) آخرت را از دست می دهند.

آری! الله سبحانه و تعالی همواره با انسان‌های ستم‌دیده و مظلوم همراه بوده و با معیت او است که پیروزی و ظفرمندی همیشه برای ایشان، رقم خورده است. اوتعالی موسی علیه السلام را هنگامی که خواست بنی اسرائیل را از دریا بگذراند، همراهی نمود و موسی علیه السلام با ابراز خوشحالی از این همراهی، برای بنی اسرائیل که ترس و هراس سراپا وجود شان را فراگرفته بود، اعلام داشت: {إِنَّ مَعِيَ رَبِّي} [شعراء: ۶۲] «پروردگار من با من است.» و پیامبرِ اسلام صلی الله علیه وسلم نیز در سخت‌ترین شرایط، آنگاه که مرگ و زندگی دعوتی به وسعتِ نبوت، به چند تار عنکبوت وابسته بود، برای ابوبکر صدیق، یارِ غار خویش، ابراز داشت: {إِنَّ اللّهَ مَعَنَا} [توبه:۴۰] «خدا با ما است.» و همین همراهی اوتعالی با ستم‌دیده‌گان و رویارویی اش با ستم‌گران بود که سرانجام، پیروزی و نصرتِ خویش را شامل حال شان ساخت و دشمنِ قوی و مکارشان را بدون هیچ شکی نابود و کید و مکر و خدعه و نیرنگ شان را بر باد فنا داد!

اما؛ اینک که در جای جای این گیتی، چشمان ما از دیدنِ مظلومان بی‌پناه و بی‌یار و یاور، پر است و به اذهان، ستم‌گری‌های فرعون و نمرود و اخدودیان، تداعی می‌شود. و همه‌گان سر بر آسمان عدلِ الهی و دست بر آستانِ دادگری او، برآورده اند و فریاد {مَتَى نَصْرُ اللّهِ}[بقره:۲۱۴] «پس یاری خدا کی (و کجا) است؟!» سر می دهند، به یقین باید گفت که: { أَلا إِنَّ نَصْرَ اللّهِ قَرِيبٌ} [بقره:۲۱۴] «بی‌گمان یاری خدا نزدیک است.» و مژده‌ی شان داد که « اجابت، از درِ حق، بهر استقبال می آید.»

بیگمان! همان‌سان که الله سبحانه وتعالی، ظالمانِ ستمگرِ پیشین را به سراشیبِ هلاکت و نابودی وارونه ساخت و سرنوشت باطل گرایان و معاندین با حق و حقیقت را همواره و در طول و امتداد تاریخ، نابودی، تباهی، خسارت و خسران قلمداد نمود؛ هم‌چنان، مردم، امت‌ها، سرداران و سردمداران و تمدن‌های امروزینی که پای در جای پای آن مکاران و ستم‌کاران قرار داده اند را نیز به عاقبت ناسرانجامِ شان گرفتار و زندگی ذلیلانه‌ای در دنیا و عذاب سختی در آخرت، در انتظار شان قرار خواهد داد.

و اما مؤمنان باید در نظر داشته باشند که برای رسیدن بدین آرزوی بر حق کافیست که فقط یک شرط را رعایت نمایند و آن نیز ترسیخ رابطه ایمانی با الله جل شانه است، تا آنان را مصداق این آیه مبارکه قرآنی سازد که می فرماید {وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ} [آل عمران: ۱۳۹] (سست و اندهگین نشوید، شما برترید به شرط آن که به الله و دستوراتش مومن باشید).

جایگاه مسجدالاقصی در اسلام

نویسنده: احمد مخیمر
برگردان: عبدالرحمن عزام

پیوندِ قدسیت «مسجدالاقصی» با عقیده‌ی اسلامی از آنجا نشأت می گیرد که «مسجدالاقصی» نخستین قبله‌ی مسلمانان بود. و در آغاز اسلام قبل از اینکه کعبه به عنوان قبله قرار گیرد، مسلمانان به مدت هفده ماهِ تمام، به سوی آن نماز خواندند. سپس خداوند متعال با فرو فرستادنِ آیاتِ ذیل، «کعبه» را به عنوان قبله، قرار داد؛ {...فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّواْ وُجُوِهَكُمْ شَطْرَهُ} (... رو به سوی مسجد الحرام کن، و در هر جا که بودید روهای خویشتن را به جانب آن کنید.) [بقره:۱۴۴]

و سپس با به وقوع پیوستنِ حادثه‌ی اسراء و معراجِ پیامبر صلی الله علیه وسلم، جایگاه «مسجدالاقصی» در جان و روان مسلمانها استحکام یافت. معراج؛ سفری که به عنوان معجزه‌ای ویژه، به پیامبر مان صلی الله علیه وسلم، اختصاص یافت. و الله متعال آن را با گلواژه هایی در دل ها و گوش های مؤمنان تا قیامت طنین انداز نموده فرمود؛ {سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا} (تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود را در شبی از مسجدالحرام به مسجدالاقصی برد، آنجا که دَور و بر آن را پربرکت ساخته ایم. تا برخی از نشانه های خود را بدو بنمایانیم.) [اسراء:۱]

خداوند متعال با این وثیقه و پیمان، مسؤولیتِ حفظ و نگهداری این خانه را بر دوش مسلمانان گذاشت تا آن را از بازیچه گردانیدنِ بیهوده کاران و کجروی انحراف پیشه گان، حمایت و پشتیبانی نمایند. و این وثیقه آیه ای از قرآن قرار گرفت که روز و شب، و صبح و شام، تلاوت شده و مسلمانان را از این مسؤولیتِ شان در قبال « مسجدالاقصی » و گرداگردش، یادآور شود. خداوند متعال قبل از هجرت، شبی پیامبـــرش را از «مسجد الحرام» به «مسجد الاقصی» در «بیت المقدس» برد و از آنجا پیامبر صلی الله علیه وسلم به سوی آسمان بلند رفت و کرامتی به نام معراج، به نامِ نامی اش، پیوند خورد.

رسالتِ پیامبر صلی الله علیه وسلم بین جایگاه «مسجدالحرام» در مکه‌ی مکرمه و «مسجد نبوی» در مدینه‌ی منوره و «مسجدالاقصی» در قدس شریف، پیوند و ارتباط برقرار نمود؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بار سفر جز برای این سه مسجد؛ مسجدالحرام، مسجد نبوی و مسجدالاقصی، بسته نشود» [به روایت بخاری و مسلم]

این حدیث و دیگر روایات وارده در این باب، عـــلاوه بر آن که بر جـــایگاه «مسجدالاقصی» در اسلام تاکید دارند، مسؤولیت مسلمانان را در قبال این مسجد و حمایت و محافظت و نگهداری از آن را نیز، می رسانند. و خاطرنشان می سازند که شـــرعا درســـت نیست در قبـــال «مسجدالاقصی» کوتاهی نمایند و یا در حمایت و باز پس گردانیدنِ آن از دستِ سلب کننده گانش، از خود سستی نشان دهند.

کلیدهای بیت المقدس در دستان عمر رضی الله عنه

مسلمانان همین که اهمیت و جایگاه رفیعِ دینی «مسجدالاقصی» و «بیت المقدس» و پیوندِ مستحکمِ آن با عقیده‌ی اسلامی را دانستند، به سویش شتافتند تا آن را از لحاظ مادی و سیاسی در سیطره‌ی خویش در آورند. لذا فتح «بیت المقدس» در سال پانزدهم هجری (۱۵ هـ/ ۶۳۶م.) هنگامی تحقق یافت که عمرِ فاروق خلیفه‌ی مسلمانان، به شکل مسالمت آمیز در آن داخل شد و برای اهل آن از خلال وثیقه و پیمان نامه ای که به پیمان نامه‌ی عمری مشهور است، امان داد. این وثیقه برای آن ثبت شد تا ارتباط سیاسی و حق مشروع اسلامی بر «قدس» و «فلسطین» را تمثیل کند. بعد از اینکه عمرِ فاروق کلیدهای شهر «قدس» را از اسقف رومی تسلیم شد، به منطقه‌ی حرم که در آن وقت کاملا تخریب شده بود، رفت و از موقع صخره دیدن نمود و دستور داد تا این قسمت ها پاک کاری شوند. و همچنان دستور داد در قسمتِ جنوبی حرم، مسجدی بسازند. سپس به تنظیم امور شهر پرداخت و دیوان خانه ها و سیستمِ نامه رسانی را تاسیس و جایگاه چشمه هایی را در آن تعیین نمود. و سپس یزید فرزند ابوسفیان را به عنوان والی، و عباده بن صامت را به حیث قاضی در «قدس» و بر سپاه فلسطین، گماشت.

اموی ها و آراستنِ عمارت مسجدالاقصی

همچنانکه خلیفه‌ی دوم عمر بن خطاب و خلفای راشدین بعد از او، شرفِ فتح «بیت المقدس» و افتخارِ گرفتنِ «مسجدالاقصی» را از آن خود کرده و از حیث سیاسی این هر دو مکان مقدس را در دولتِ اسلام داخل نمودند؛ همچنان شرف و افتخار سازماندهی وجهه‌ی تمدنی اسلام برای این اماکن مقدس، به نام خلفای اموی ثبت است. لهذا می بایست ایشان وجهه‌ی تمدنی اسلام را در «بیت المقدس» از خلال «مسجدالاقصی» تثبیت می نمودند. کاری که نتیجه اش ساخـــت و ســـاز «مسجدالاقصی» بود. ساخت و سازِ آبادی هایی که با عظمت و استقرار و وسعتِ نظرِ دولت جوان و نوپای اسلامی، سازگار باشد. فعالیت و شروع کار این ساخت و سازها، در زمان خلیفه عبدالملک بن مروان و فرزندش خلیفه ولید آغاز شد که بنای «قبة الصخرة» و

«گنبد سلسله» در زمان خلیفه عبدالملک و بنای «مسجد الاقصی» و «دارالاماره» و «دروازه ها» و نشانه های متعدد دیگر - که در اثر زمین لرزه های سخت بیت المقدس و فلسطین، ناپدید شدند،در زمان ولید ساخته شد.

اجرای این فعالیت به شکل کامل و گسترده جهتِ زیبا سازی «مسجدالاقصی» -این نماد منحصر به فرد معماری اسلامی-، زمانی به وقوع پیوست که نبردهای فرهنگی در این عرصه جریان داشت و ساخت و سازهای رومی ها در منطقه، بهترین نمونه ی آن است که ایشان از خلال ساخت کلیساها خصوصا «کلیسای قیامت» در قدس و «کلیسای مهد» در بیت لحم بود، به این میدانِ رقابت، گام پیش نهاده بودند.

چنانچه در «تاریخ ابن اثیر» آمده است، خلفای عباسی به اندازه‌ی توان خویش، عمارت «مسجدالاقصی» را بدون کدام تغییر ملموسی از طرح و برنامه‌ی اموی ها، محفوظ داشته و فقط ترمیم های معدودی بر آن انجام دادند که ترمیم «قبۀ الصخره» در زمان «مأمون» خلیفه ی عباسی و «مسجـــدالاقـــصی» در زمـان «مهدی» خلیفه‌ی عباسی، انجام شد.

همچنان «فاطمی» ها نیز در زمان خلیفه‌ی فاطمی «حاکم به امرالله» و فرزندش خلیفه «الظاهر لإعزاز دین الله»، چندین ترمیم و مرمـــت کـــاری بر «قبۀ الصـخرۀ» و «مسجدالاقصی» اجراء نمودند.

ایوبی ها؛ باز آوردگان مسجدالاقصی

ایوبی ها بعد از فتح و پاک سازی «مسجدالاقصی» از پلیدی و آلودگی های صلیبی ها، نماد معماری اسلامی را دوباره به آن برگشتاندند. این در حالی بود که صلیبی ها در طول مدتی که بر این مکان مقدس سیطره‌ی غاصبانه یافته بودند، آن را بسان بازیچه ای برای خویش قرار داده و بسا آثار و نشانه هایش را دگرگون ساخته بودند.

صلاح الدین ایوبی سوگند یاد نموده بود تا بیت المقدس را از سیطره‌ی صلیبی‌ها آزاد نکند، هرگز دهن به خنده نگشاید و لب به تبسم شیرین ننماید؛ همین بود که او توانست این اراده‌ی خویش را در سال ۵۸۳ هجری بعد از ۸۸ سال استعمار صلیبی بر آن، به کرسی حقیقت بنشاند. ایوبی ها بعد از فتح قدس و به دست آوردنِ «مسجدالاقصی»، دوباره آن را با اصلاح و تعمیر، به همان شکل پیش از جنگ صلیبی در آورده و بعضی نمادها و نوشته هایی را بر آن افزودند و با این کار خویش، اولین گام را به سوی پیشرفت و ترقی در عرصه‌ی معماری، برداشتند.

ممالیک به شکلی قوی و فعال در برجسته سازی نماد معماری اسلامی مسجدالاقصی مشارکت کردند، تا آنجایی که با دستان ایشان دومین گام در این عرصه برداشته شد که در واقع ادامه ی کار و برنامه ریزی اموی ها بود. و این ساخت و ساز در واقع نشان دهنده ی تصویری اسلامی از معماری حرم «مسجدالاقصی» در امتداد تاریخ بود. ایشان برای حرم ایوان ها، سایبان ها و مدارس دینی ای ساختند که آن ها را احاطه نموده بود. همچنان به ساخت اذان خانه‌ها، دروازه‌ها، گنبدها، راه روها، تخت هایی برای نشستن و محراب هایی که تا کنون در آن وجود دارد، مبادرت ورزیدند.

جایگاه تمدنی مسجدالاقصی

مسلمانان از هنگام فتح شدنِ مسجد الاقصی توسط عمر بن خطاب خلیفه‌ی دوم، به سفر و سیر و سیاحت به سوی مسجدالاقصی جهت ادای نماز و انتشار دعوت اسلامی، علاقه مند بودند تا جایی که فاروق اعظم تعدادی از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم را که در فتح با او همراه بودند، به اقامت و برگزاری برنامه های تعلیمی در مسجدالاقصی در کنار وظایف اداری شان، مؤظف نمود. که از زمره‌ی ایشان عباده بن صامت رضی الله عنه را به حیث نخستین قاضی و شداد بن اوس رضی الله عنه را نیز همراه با او در آنجا ماندگار نمود. و این دو صحابی تا هنگامی که از دنیا رحلت نمودند، در بیت المقدس باقی ماندند و سپس در گورستان «باب الرحمۀ» که در قسمت بیرونی دیوار شرقی مسجد قرار دارد، به خاک سپرده شدند. علما و دانشمندان اسلامی از هر فراز ونشیب، و راهِ دور و نزدیک به سوی مسجدالاقصی جهت تعلیم و آموزش، بار سفر بستند که از جمله‌ی ایشان می توان از مفسر قرآن مقاتل بن سلیمان، امام اوزاعی فقیه شام، سفیان ثوری امام اهل عراق، امام لیث بن سعد دانشمند شهیر مصری و امام محمد بن ادریس شافعی نام برد.

در قرن پنجم هجری حرکت علمی قَوِیی در «مسجدالاقصی» به وجود آمد که از نتایج آن، مراکز علمی عالیی در زمینه‌ی علوم فقه و حدیث، بوجود آمد. و این سببش همان رفت و آمد زیاد علما و دانشمندان اسلامی جهت تدریس در آن بود. مشهورترین علمایی که در این فعالیت اقدام نموده بودند، امام ابوحامد غزالی بود که در سال ۴۸۸ هـ به عنوان مدرس، در این سرزمین ماندگار شد. امام غزالی یادآور می شود که او در مسجدالاقصی شاهدِ ۳۶۰ مدرس و استاد بوده است که این خود، بر بلندی جایگاه و رفع شان این مسجد نزد مسلمانان تاکید دارد.

با آزاد شدنِ بیت المقدس توسط صلاح الدین ایوبی، روح و زندگی علمی و دینی بعد از انقطاعی نزدیک به یک قرن در اثر اشغال صلیبی ها، دوباره به کالبدش برگشت. و مسلمانان به سیر و سفر به سویش پرداختند تا از طرفی از این مکان مقدس دیدن نموده و در آن نماز، گزارند و خوان نشین سفره ی اعتکافش شوند، و از جانبی هم خوشه چین خرمنِ علم و اندیشه و پیوند با آن گردند.

تجارت و بایسته های آن

نوشته‌ی:
محمّد ابراهیم یوسفی

اسلام از آغازین روزهای طلوعش در زندگی انسان همواره منافع مادی و حیاتی انسان را در سر لوحه‌ی رسالت اش قرار داده و فلسفه‌ی ظهورش را همانا سعادت دارین انسان معرفی میکند.

معامله و تجارت یکی از فکتورهای شناخته شده در جوامع انسانیست که از ابتدایی ترین دوره‌های حیات با آن شناخت داشته و به گونه های مختلف مورد تعامل قرار گرفته است. و عمده‌ترین هدف تجارت در زندگی انسان همانا بر طرف نمودن نیازهای شان از این طریق میباشد. بنابرین برای ادامه‌ی یک زندگی طیبه و توام با رفاه تاجر مسلمان با تجارت صادقانه و اخلاق مدارنه اش میتواند نقش سازنده و کلیدی داشته باشد.

براستی تا حال فکر کردیم دامنه‌ی اخلاق اسلامی به اندازه‌یی وسیع است که حتی بخش عمده‌یی از آن بر میگردد به تجارت و معاملات روزانه ای که ما انسانها با هم داریم.

رعایت اخلاق اسلامی در میدان تجارت و معامله سبب بقای مال تجارت و سبب بقای سلامتی روحی و روانی جامعه انسانی و اسلامی ما خواهد گشت.

در سرزمینی که ما در آن زندگی می نمائیم شاهد چالش های مختلف در میادین گوناگون زندگی هستیم که تحلیل هر کدام به ذات خود نیاز به بحث و بررسی اهل نظر و تخصص را می طلبد.

آنچه در این مقال به آن پرداخته میشود. عدم رعایت اخلاق اسلامی در معاملات بخصوص تجارت است، و توجه به تبعات و آثار ویرانگریست که در زندگی فردی و اجتماعی از خود بر جای میگذارد.

نگاهی گذرا به تاریخ درخشان اسلامی گویای آن است که تجار مسلمان همانطوریکه با مال شان به کشورهای مختلف دنیا به تجارت می پرداختند در کنار آن به نشر و پخش دعوت و اخلاق اسلامی نیز مصروف بودند. با همت و ایمانی سرشار از محبت به خدا و دین، و با شوق گسترش اسلام قدم در این راه می گذاشتند.

قرآنکریم کتاب هویت ما مسلمانان، اخلاق در تجارت اسلامی را در آیات مختلف مورد توجه قرار داده تا با رعایت آن مسلمانان برخوردار از عزت و کرامت گردیده و اخلاق شان از گزند آفات مال در امان بماند.

برای اینکه تاجر مسلمان ما برخوردار از اخلاق اسلامی در عرصه‌ی تجارت و معامله خویش شود، نکات ذیل را به عنوان توصیه بیان می نمائیم.

صداقت در معامله

عمده‌ترین موضوع اخلاقی برای یک تاجر مسلمان همانا صداقت و راستکاری می باشد، تاجر مسلمان نباید بالعموم منافع مادی و ظاهری کالایش را در نظر بگیرد، بلکه باید همواره برکت و خیر تجارت را نیز در نظر گیرد، چرا که توجه به صداقت و التزام به آن سبب رشد شخصیت و فوائد مادی و معنوی برای تاجر مسلمان خواهد گردید. و این یک ادعا نه بلکه تجارب بشری _صرف نظر از دینداران و بیدینان_ در طول تاریخ به اثبات رسانده است. بنابراین بسیار جای نقص و کاستیست آنگاه که شنیده و یا دیده میشود تاجر مسلمان در معاملاتش از صداقت کار نگرفته و به فریب و خیانت تکیه میکند.

امانت داری در معامله

در یک کلام، اسلام عزیز مسلمان را امین معرفی میکند، و راستی آیا میدانیم، پیامبر عظیم الشان ما لقب امین را چه وقت و در کدام مرحله‌ی زندگی شان گرفته و این لقب را چه کسانی به ایشان داده اند؟! تاریخ زندگی آن بزرگوار گواه این است، آنگاه که ایشان برای مردم مکه کار تجارت می نمودند، چون در کارشان امانت را رعایت میکردند این لقب به ایشان از سوی مردم مکه داده میشود. یعنی پیامبر لقب امین را از خلال کار تجارت و معامله با مردم می گیرند. پول و ثروت امانتیست الهی و باید در مصرف، انفاق و معامله آن بسیار توجه نمود. اگر خدای نکرده کدام قصوری صورت گیرد و به جهت انحراف کشانده شود و با آن با اخلاق، صحت و سرمایه های مردم بطور عموم بازی شود این جاست که بزرگترین خیانت به این امانت الهی شده و اینجاست که تاجر مسلمان همان لقبی را بخود میگیرد که شایسته حال اوست «إِنَّ التُّجَّارَ يُحْشَرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فُجَّارًا إِلَّا مَنِ اتَّقَى، وَبَرَّ، وَصَدَقَ» شعب الایمان (همانا تجار در روز قیامت فاجر حشر می شوند؛ مگر آنانیکه تقوای الهی، نیکی و صداقت را پیشه خود سازند.)

بسیار جای تاسف است آنگاه که دیده میشود و یا شنیده میشود تاجر مسلمان در جنسی که صادر و یا وارد کشور می نماید خیانت میکند. و این خیانت با اشکال گوناگون صورت میگیرد گاهی از اصل مقدار جنس کم کرده میشود، گاهی متاسفانه از کیفیت آن کاسته میشود، و جالب این جاست این کار به زعم شان توجیه دینی نیز پیدا میکند و می گویند، چون وضیعت اقتصادی مردم خوب نیست، بناءً باید کالای ارزانتر به کشور وارد شود تا از این طریق مردم نیازهای شان را مرفوع سازند، ولی این توجیه به هیچ عنوان دلیل شده نمی تواند، با وارد کردن اموال بی کیفیت و داروی بی کیفیت ضربه و ضرر آن را مردم بیچاره و رنج کشیده در قدم اول متحمل میشوند و در قدم دوم بر پیکر اقتصاد

وطن ما نیز ضربات سختی وارد میکند.
جالب است دوستی از یکی از تجارِ شهر قصه میکرد که وارد کننده‌ی یک قلم کلان از اجناس خوردنی و مورد نیاز مردم می باشد. برای صاحب فابریکه‌ی که طرف خارجی و تولید کننده است سفارش میدهد که کیفیت آن را پائین بیاورد چون چندین بار این کار را فابریکه انجام داده بود، دیگر امکان بی کیفیت کردن از این بیشتر را نداشت! در جواب این تاجر مسلمان افغان میگوید که فلانی این جنس را کاکای من برادر من و... نمی خورد اینها به وطن تو میرود و خود از آن استفاده میکنید، کمی از خدا بترس و ازین بیشتر حریص نباش...
وا أسفاه! چنین داستانهایی زیاد حکایت شده است، تجار مسلمان ما باید بدانند اگر امروز در سیستم اداری کشور فساد بیداد میکند و عده‌یی خدا نترس در کنار شان قرار گرفته اند و با جان و مال مردم سود می کنند، اما خدای بینا و شاهدِ شنوا را چه کار میکنند.

بازشناختن حلال و حرام در معاملات

شناخت موازین و معیارهای حلال و حرام وسیله‌ایست که انسان می تواند با آن به اهداف بلند خود در زندگی دست یابد. خدای تعالی آنچه که منافع مادی و معنوی ما ایجاب می نماید و سبب رشد شخصیت معنوی و رشد جسمی ما گردیده را حلال نموده و انچه که بر خلاف آن است را حرام قرار داده است. شناخت حلال و حرام در معامله به اندازه‌ییکه بتوان توسط آن فرق بین مرز حلال و حرام نمود، بر تاجر و معامله‌گر مسلمان جزء ضروریات دینی او محسوب میشود. همانطوریکه در عبادت، نماز مسلمان باید حد اقل شرایط ارکان و آداب آن را بداند تا نماز او یک نماز کامل گردد. بنابراین در میدان تجارت و معاملات خصوصاً در شرایط کنونی که از یکطرف معاملات بسیار پیچیده در بازارهای اقتصادی قد علم نموده و از جانب دیگر برای فرق در بین معاملات حلال از حرام وسایل مختلف در اختیار داریم، لله الحمد علمای دانا و متخصیصنی نیز در حوزه های مختلف معاملاتی نیز درین میدان ظهور نموده اند. می توان با مراجعه با آنان خود و مال خویش را از آفت حرام دور نمود.

دوری از منکرات در تجارت

یکی از عوامل طغیان انسان، مال و ثروت است، مال و ثروت به اشکال مختلف در صورتیکه به موازین انسانی و اخلاقی توجه نشود دامن انسان را آلوده به گناه نموده و اسباب انجام منکرات را فراهم میسازد؛ همانطوریکه از کلمه و واژه‌ی منکر پیداست، آنچه از اقوال و افعالیست که ناشناخته و مخالف با ارزشهای اسلامی و انسانی باشد. الله متعال مبارزه با منکرات را در صدر برنامه های اصلاحی مسلمان قرار داده است، نمونه‌ی از منکرات در تجارت امروزی تهیه تبلیغات تجارتی توسط زنان بی حجاب و بد حجاب جهت بازاریابی و جلب مشتری بیشتر می باشد، و این از آن دست منکراتیست کاملاً مخالف با ارزشها و اخلاقیات اسلامی، و از جانبی زیرپا کردن کرامت و حیثیت زنان محسوب میشود. زنان نیمی از پیکر جامعه‌ی انسانی محسوب میگردند و از دید اسلام مورد احترام و قابل ستایش اند. زن متاعی نیست که در بازارها عرضه شود بلکه زن انسانیست دارای مقام و ارزش.
متاسفانه از برکت بازار آزاد حتی ارزشها به سودا گذاشته میشود، سازمانهای دفاع از حقوق زنان با تمام ادعاهای پر زرق و برق، دفاع از حقوق و کرامت زن و تدویر محافل و سیمینارها برای دفاع از حقوق وی، نه برنامه‌یی روی دست داشته و نه کدام صدایی که در این مورد بلند شود، دیده میشود. زن بیچاره به بهانه های مختلف در بازارهای اقتصادی وسیله و ابزاری برای رونق و نمای کالاهای تجارتی شده است، و باید اذعان نمود این چنین تعاملی با زن همان سرنوشتی که بر سر زن غربی آورده شد به نوعی زن مسلمان ما نیز به این دام مسموم گرفتار شود. و این نوع رفتار با این عضو جامعه انسانی از دید اسلام عزیز، فرهنگ و عنعنات ملی ما قابل قبول نیست.

در نظر گرفتن منافع مردم

نکته‌ی دیگری که باید تاجر مسلمان در معاملات و تجارت خویش به آن توجه داشته باشد، در نظر گرفتن منافع عمومی مردم است.
برادر تاجر و مسلمانم! من و تو امت پیامبری هستیم دارای این شعار «خیرالناس من ینفع الناس» بهترین مردم کسی است که خیرش به دیگران می رسد. و یا در جای دیگر می فرمایند (من اصبح و لم یهتم بامر المسلمین فلیس منهم) مسلمانی که روزش را آغاز می نماید و اهتمامی به امور مسلمانان نمیدهد از آنان نیست!
در شرایطی کنونی از مهمترین چالشهای که ملت رنج کشیده ما را بیش از پیش آزار میدهد همانا اوضاع نابسامان اقتصاد یست، این شرایط تقاضای تاجرانی مانند ابوبکر و عثمان و دیگر بزرگان دینی که در عرصه‌ی تجارت و اخلاق اسلامی پیشگام بودند را نیازمند است، بزرگ مردانی که با تجارت شان در پی حل مشکلات جامعه اسلامی بودند و هرگاه احساس میکردند که مسلمانان در تنگنا قرار دارند، همانا تجارت و سرمایه شان مشکل گشای مشکلات مسلمانان بود.
در خاتمه، از الله متعال خواهانیم تاجران ما را به سوی بازشناسی و تحلیل اوضاع تجارت شان، هدایت فرموده و اگر در معاملات شان راستکار و درستکار اند، بر مال شان بیش از پیش برکت نهد.

تجربه موفق توسعه‌وی اسلامگرایان در مالیزیا

نویسنده: محمد محمود ترجمه: عبدالخالق احسان

مالیزیا در مدت چند سال محدود توانست از یک دولت عقب مانده که شهروندانش در کوه ها و جنگلات زندگی می کردند، به یک دولت جدید و عصری تبدیل گردد که دارایی زیربنای قوی و اقتصاد توسعه یافته و آموزش عالی باشد. متخصصان توسعه و انکشاف می پرسند که مردم مالیزیا چگونه توانستند بر آن طبیعت سخت و خشن کوهستانی غلبه نموده و آن را به باغچه های ثرومندی تغییر دهند که هر شنونده و بیننده را به حیرت می اندازد؟ چگونه توانستند این همه موفقیت های چشمگیر و حیرت انگیز را در عرصه‌ی صنعت، زراعت، گردشگری و تکنولوژی نصیب گردند؟

دولت مسلمان مالیزیا با تلاش پیوسته و خستگی ناپذیر، تغییر تصور انسان و بنای شخصیت او، تطویر سطح علمی و آگاهی و کاشتن اصول شهروندی و اخلاص برای ملت و وطن، توانست این همه موفقیت های بزرگ را در عرصه های اقتصاد، علم و تکنولوژی متحقق سازد و مثال و نمونه‌ی گردد برای ملت های که آرزودارند تا وضعیت خویش را دگرگون ساخته و واقعیت خویش را نیکو نموده و سطح زندگی خویش را بالا ببرند.

شخصیتی به منزله‌ی یک امت

رهبر نهضت و خیزش مالیزیا، مهاتیر بن محمد در خاطراتش می گوید: آرزو داشتم که بین وظیفه ام به حیث داکتر که به شهروندانم مساعدت و خدمات صحی تقدیم می کردم و علاقه مندی ام به حیث سیاستمدار، جمع نمایم و به امور داخلی و خارجی کشور اهتمام داشته باشم؛ این زمانی بود که منطقه از تأثیرات جنگ جهانی دوم رنج میبرد. لذا موقع تداوی مریضانم، از مشکلات و خواسته و نظریات شان در مورد قضایای ملی می پرسیدم.

مهاتیر در خاطراتش از موفقیت های بزرگی سخن می گوید که کشورش مالیزیا را از یک دولت زراعتی به دولت قوی صنعتی تبدیل نمود که مقام هفتم را در تجارت جهانی از آن خود نموده است. او هم چنان از مشکلات و موانعی می گوید و این که در جوانی عضویت حزب را گرفته و داخل حزب به مبارزه پرداخت و به خاطر اندیشه های انقلابی اش، از حزب طرد گردید تا دوباره با قوت بیشتر و پافشاری افزون تر برای تحقق آرمان هایش برگردد.

مهاتیر با عادت ها و عرف های فاسد، تنبلی و کسالت و جمودی مبارزه کرده و توسط کتاب هایش، مردم را بیدار نموده و متوجه قضایای اصلی کشورش ساخت. و آنگاه که به حکومت رسید، اصلاحات خویش را در بخش های اصلی زندگی و به خصوص بخش آموزش و صنعت، آغاز کرد و مالیزیا را به زودترین فرصت به قله های رفیع و درجات بالا رساند.

علم و ساختمان انسانی

نهضت مالیزیا بر بنا و رشد شخصیت انسانی ترکیز نموده و انسان را به حیث ثروت حقیقی و نخستین محرک هر نهضت اقتصادی و علمی قلمداد نمود. و در نتیجه پیشرفت های صورت گرفت که جهانیان را به حیرت انداخت و ملت های دیگر را به سوی تغییر و نهضت علاقه مند ساخت.

اساس نهضت و خیزش مالیزیا را نیروی بشری و تکوین و تنظیم آن تشکیل می داد، البته همراه با نهادینه سازی اصول کاری، ابداع و ابتکار و نوآوری. هم چنان آموزش و تحقیقات علمی نخستین اولویتی بود که در رأس اجندای حکومت قرار داشت، لذا به مکاتب و مدارس و دانشگاه ها و مراکز پژوهش و تحقیق توجه ویژه صورت گرفته و بخش قابل توجهی از عواید دولت برای تحقق اهداف پلان آموزشی اختصاص یافت که شامل دگرگونی و تکامل پژوهش های علمی، فرستادن دهها هزار جوان مالیزیایی برای ادامه‌ی تحصیل به بهترین دانشگاه های جهان بخصوص جاپان بود.

تلاش ها به سرعت نتیجه ی مطلوب و مثمر را به دست آورد و مالیزیا، هم ردیف کشورهای پیشرفته‌ی آسیا قرار گرفت. بر اساس گزارش وزارت تحصیلات عالی الآن بیشتر از ۱,۱۳۴,۱۳۴ دانشجو در موسسات تحصیلات عالی مالیزیا ثبت است و حدود ۱۰۰,۰۰۰ دانشجو از کشور های دیگر می باشند. در مالیزیا ۴۹ دانشگاه اصلی و ۲۳ دانشگاه فرعی و ۴۱۱ دانشکده فعالیت دارد و از بین این ۴۹ دانشگاه، شش دانشگاه جهانی از بریتانیا، استرالیا، کانادا و هند می باشد.

مالیزیا در اواخر دهه نود، سیاست Transitional Higher Education را روی دست گرفت، چون دانشجویان مالیزیایی برای ادامه‌ی تحصیل به خارج با مشکلات مالی مواجه بود و به خصوص مشکلات مالی ناشی از بحران مالی آسیایی سال ۱۹۹۷م. لهذا برای سهولت ادامه‌ی تحصیل و کاهش مصارف گزاف مالی، مالیزیا به گشایش فرع های دانشگاه های جهانی از استرالیا و بریتانیا و ایالات متحده امریکا، اجازه داد.

سیاست های اصلاحی

بعد از حادثه‌ی ناگوار نژاد پرستانه سال ۱۹۶۹م که چالش جدی و بزرگی در مقابل زندگی مسالمت آمیز بین نژاد

های مختلف مالیزیایی (مالاوی، چینی و هنود) بود؛ سیاستمداران و اندیشمندان مالیزیایی گردهم آمدند تا راه های بیرون شدن ازین بحران و جلوگیری از تکرار این گونه حوادث را جستجو نمایند. در نتیجه‌ی این نشست ارزشمند راه حل های جدید اقتصادی و توسعه وی روی دست گرفته شد که باید برای رشد اقتصادی و توسعه وی، اساسات محبت و احترام و وحدت ملی نهادینه گردد.

سیاست جدید که به سیاست Malaysia New Economy Policyمعروف بود، اعلان گردید و این سیاست بر دو اساس مهم ترکیز داشت: ریشه کن کردن فقر و بازسازی هیکل جدید جامعه به سبک مدرن. این گونه ثروت به صورت عادلانه توزیع گردید و فرصت مساویانه به همه شهروندان در آموزش، صحت و ایفای وظیفه داده شد. بعد از چند سال از تطبیق این سیاست اصلاحی توسعه وی، مالیزیا استقرار و درخشندگی بیشتر کسب کرده و توهمات نژادپرستانه از بین رفت و رعایت عدالت در تمام کشور عملی شد و یگانه معیار، علم، عمل و اخلاص مندی برای کشور قرار گرفته و معیارهای رنگ، زبان و نژاد نیست و نابود گردید.

برنامه‌ی اصلاحی توسعه وی نتایج غیر قابل توقعی را متحقق ساخت، طوری که نسبت ثروت در طبقه فقیر کشور مالیزیا از ۴٪ در سال ۱۹۷۰ به ۲۰٪ در سال ۱۹۹۷ رسید و هم چنان سطح تولیدات ملی افزایش یافته و اقتصاد کشور رشد چشمگیری داشت، و عاید سرانه از ۱۱۴۱ رینغت (واحد پول مالیزیا) در سال ۱۹۷۰ به ۱۲۱۰۲ رینغت در سال ۱۹۹۷م افزایش یافت و در بین همین سال ها نسبت بیکاری از ۵۰٪ به ۶.۸٪ کاهش یافت.

انقلاب صنعتی در مالیزیا

مالیزیا بعد از این که موفقیت های در عرصه‌ی کارهای زیر بنایی، اسلوب اداری و سیستم قانونی که سرمایه گذاری نیاز دارد، به دست آورد؛ دروازه هایش را برای سرمایه گزاران خارجی باز کرد و مهمترین و بارزترین عرصه‌ی این سرمایه گزاری، بخش صنعت مالیزیا بود. و کشور مالیزیا سه شرکت موتر سازی را که محصولات آن ها در کشور های منطقه خریدار داشت، اجازه فعالیت در مالیزیا را داد و این موترها با ویژگی های تکنولوژی و همگام با زمانه همراه بودند.

بخش صنعت مالیزیا ۳۶.۸٪ عواید داخلی را بر اساس آمار ۲۰۱۴م تشکیل می دهد و شامل بخش های حیاتی: صنعت برق، صنعت موترسازی و صنعت مصالح ساختمانی می باشد.

در میدان صنعت وسایل برقی، قیمت صادرات وسایل برقی و الکتریکی مالیزیا ۱۱۱۱۹ میلیارد دالر بوده که ۴۷٪ از تمام تولیدات وسایل برقی را شامل می گردد. در عرصه‌ی صنعت موترسازی، مالیزیا در سال ۲۰۱۴م ۵۴۵۱۲۲ موتر تولید نموده که در صنعت موتر سازی در مقام بیست و دوم در سطح جهان قرار گرفته است.

بر اساس گزارش IMD 2016م World Competitiveness Center، مالیزیا در مقام نوزدهم در ضمن بیست کشور نیرومند اقتصادی در سطح جهان قرار گرفته و به حیث نمونه و الگوی نهضت و سازندگی در بین ملت های جهان اسلام محسوب می گردد.

وفاداری به وطن

نوشته: ضیاء لامع

تو آنچه در توان داشتی از غرور و کریم بودن برای مان بجا ماندی. تو فرزندِ ناخلفِ در بطن خود آشنا نکردی. و خاک خود را پاک و سترگ از هر فرومایگی نگه داشتی.

کس سراغ ندارد که خاک تو پایمال ناکس شده باشد هر سرِ که فکر پاره کردن بطن تو را در خود می پرورانید شاخش بَشکستی!

جهان مُدرن مدیون تو است و تو تبسم آزادی در لبان جهان آوردی!

تو آن نقطه ی فصل ادبیات پسامُدرن استی که حس آزادگی را بالاتر از ثروت و زور معرفی نمودی و پیمایش ها و معیار ها را روح دوباره بخشیدی!

تو کوچه کوچه معرفتت را که سرشار از مروت و غرور است برای ما نشان دادی! و ما را تنها عالم خود دانستی و وفادار ماندی.

دامن تو غنی تر از بهره های نوین علمی و یک و دوی شان است! در جهانِ که انسان را "تَکس" و "استراتیژی" کلافه و سردرگم نموده. فرزندان تو با سادگی تمام در عیش و سهولت زندگی می کنند.

از زمین تو دانه ی رُست که از عالم کمتر برُست. میوه های تو تک تاز مارکتِ جهان اند. و غذای تو ناب و خوش طعم

و صد افسوس که بطن تو پُر از غنا و ما همچون شاه خُسپیده بر آنیم.

تو کوه داری، دشت داری، سبزی داری، خُشکی داری، سنگ داری، خاک داری، آب داری، هوا داری پس چی نداری؟

نسل تو نمونه:

سرکش و عظیم

پر از دبدبه و سادگی

انسان دوست و با کرمتر از جیب خود

زیرک و چابک

شیرین زبان و خوش سیما

متنوع و مسلمان

فرهنگ تو هم معنی دار و مردانه

و یک مشت خاک بیش از این چه کند!

کارهای روزانه‌ی مسلمان

استاد ضیاء احمد فاضلی

* این که نیتت را تجدید نموده و توجهت را خالص برای الله عزوجل قرار دهی. الله متعال می فرماید: {وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاء وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ } [البينة/۵]. (و [آنان]فرمان نیافته بودند جز آنکه خدا را بپرستند، و ایمان و عبادت را برای او از هرگونه شرکی خالص کنند، و حق گرا باشند، و نماز را برپا دارند، و زکات بپردازند؛ و این است آیین استوار و ثابت.)

* این که تا می توانی بر تکبیر تحریمه و صف اول در نماز صبح در مسجد محافظت نمایی. از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: «لو یعلم الناس ما فی النداء والصف الأول، ثم لم یجدوا إلا أن یستهموا علیه لاستهموا علیه» [متفق علیه] (اگر مردم ارزش اذان و ایستادن در صف اول نماز جماعت را می دانستند و [برای دستیابی به آن] راهی جز قرعه کشیدن نمی یافتند، قطعاً بر سر آن قرعه می کشیدند). و از عایشه (رضی الله عنها) نقل است که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) فرمودند: «رکعتا الفجر خیر من الدنیا وما فیها» [رواه مسلم] (دو رکعت نماز صبح از دنیا و هرچه در آنست بهتر است).

* این که تا آن جا که ممکن است بر نماز های پنجگانه به جماعت در مسجد پایبندی داشته و جز در موقع ضرورت، هیچ فرضی را در خانه نخوانی. الله متعال فرموده است: {إِنَّ الصَّلاَةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَاباً مَّوْقُوتاً} [النساء۱۰۳].(بی تردید، نماز بر مومنان فرضی است دارای وقت معین).

* این که قرآن را فراوان تلاوت نموده و بکوشی ورد روزانه‌ی تلاوتت از یک جزء کمتر نباشد و کوشش کن با تدبر و خشوع تلاوت نمایی. الله متعال می فرماید: {أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً } [المزمل۴]. (یا بر آن [تلاوتت] بیفزا و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان).

* این که در صورت امکان هر شب –و لو در حد دو رکعت- نماز شب داشته باشی. الله متعال می فرماید: {تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفاً وَطَمَعاً وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ} [السجدة۱۶] (پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می‌شود [و بپا می‌خیزند و رو به درگاه خدا می آورند] و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند). و می فرماید: {فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاء بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ } [السجدة۱۷] (هیچ کس نمی‌داند چه پاداشهای مهمّی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها پنهان داشته شده، این ها پاداشی است به پاس کارهائی که انجام می‌دادند!).

* این که در سحرگاهان از الله متعال استغفار بخواهی؛ به ویژه به وسیله‌ی سردار استغفارها: «اللهم أنت ربی، لا إله إلا أنت، خلقتنی وأنا عبدک، وأنا علی عهدک ووعدک ما استطعت، أعوذ بک من شر ما صنعت، أبوء لک بنعمتک علی وأبوء بذنبی فاغفر لی، فإنه لا یغفر الذنوب إلا أنت» [صحیح البخاری] (بار الها! تو پروردگار منی، جز تو معبودی نیست، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم و تا حدی که بتوانم بر پیمان و وعده‌ی تو وفادارم، از شر اعمال خودم به تو پناه می آورم، به همه‌ی رحمت و نعمتت که بر من ارزانی داشتی، اقرار می کنم و به گناهم، اعتراف می نمایم پس مرا بیامرز که همانا جز تو کسی نیست که گناهان را بیامرزد). و این که بر آن مداومت ورزی.

* این که نماز ضحی را –و لو در حد دو رکعت- همواره ورد خویش قراردهی، البته پیامبر (صلی الله علیه وسلم) آن را هشت رکعت می خواندند. و ابوهریرۀ (رضی الله عنه) را به ادای دو رکعت ضحی توصیه نمودند چنانچه از ابوهریره (رضی الله عنه) در صحیحین آمده است: «أوصانی خلیلی بثلاث: صیام ثلاثة أیام من کل شهر، ورکعتی الضحی، وأن أوتر قبل أن أنام» [متفق علیه] (دوست و محبوب من پیامبر – صلی الله علیه وآله وسلم – مرا توصیه فرمودند به: روزه‌ی سه روز از هر ماه و انجام دادن دو رکعت نماز ضحی (چاشت) و این که قبل از آن که بخوابم، نماز وتر را بخوانم).

* این که بر اذکار و ادعیه‌ی صبح و شام مداومت نموده و هنگام غروب، برادرانت در شرق و غرب دنیا را به یاد آوری. الله متعال می فرماید: {فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاء اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى} [سوره طه/۱۳۰] (پس در برابر آنچه می‌گویند، صبر کن! و پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب آن؛ تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور؛ و همچنین در [برخی] از ساعات شب و اطراف روز [پروردگارت را] تسبیح گوی؛ باشد که [از الطاف الهی] خشنود شوی!)

* این که روزانه نفست را مورد محاسبه قرار دهی؛ هرچند به قدر پنج دقیقه قبل از خواب باشد و عزمت بر توبه را تجدید نمایی.

* این که در باره‌ی مخلوقات الله متعال (هستی، دریاها، آسمان، کوهها، درختان و..) به تفکر و اندیشه بپردازی؛ هرچند با یک تامل کوتاهِ صادقانه از قلب باشد و بگویی: {رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذا بَاطِلاً سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ} [آلعمران/۱۹۱] (بار الها! اینها را بیهوده

نیافریده‌ای! تو منزهی! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!)

* این که در طول روز با وضو باشی و بعد از نقض وضو باز به تجدید آن کوشش نمایی؛ چرا که وضوء همانگونه در حدیث نبوی آمده است - سلاح مومن است.

* این که روزانه در باره‌ی رشته مورد تخصص خویش اگر از اهل تخصص هستی - مطالعه نمایی هرچند به مقدار یک صفحه باشد. الله متعال فرموده است: {اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ} [العلق ۳]. (بخوان که پروردگارت [از همه] بزرگوارتر است).

* این که روزانه ورزش منظم داشته باشی؛ هر چند ۲۰ دقیقه پیاده روی، نرمش، دوش و.. باشد. ابوهریره (رضی الله عنه) از پیامبر(صلی الله علیه وسلم) روایت می کند که فرمودند: «المؤمن القوی خیر وأحب إلى الله من المؤمن الضعیف، وفی کل خیر...» [صحیح مسلم] (مسلمان قوی نزد الله از مسلمان ضعیف بهتر و دوست‌داشتنی تر است و [البته] در هر کدام شان خیر و خوبی است).

* در بیدارخوابی زیاده روی مکن بلکه شب زود بخواب و صبح زود بیدار شو که همین، روش رسول الله بوده است.

* این که هر گاه برایت فرصت مهیا شد با آنان که در اخلاق و عمل نخبه اند همراهی کن و شانه به شانه‌ی ایشان بگرد. الله متعال می فرماید: {أُوْلَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ} [الأنعام/۹۰] (آنها کسانی هستند که الله هدایت شان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن!)

* این که با دقت، اولویت های کار و زندگی ات را مشخص نمایی و آن چه مهم است ترا از آن چه مهمتر است باز ندارد. حضرت عمر (رضی الله عنه) می فرماید: «الله عزوجل کار شب را به روز قبول نمی کند و کار روز را به شب نمی پذیرد و نافله را قبول نمی کند، تا آن که فرض را انجام دهی».

* این که پنج هدف برای خود تعیین نمایی که واضح و مشخص و قابل اجرا بوده و بالفور به انجام آن ها اقدام نمایی و کار امروز را به فردا موکول نکنی.

* این که از روحیه‌ی خوش‌بینی برخوردار بوده و به تغییر خود به سوی آینده‌ی بهتر امیدوار باشی. الله متعال می فرماید: {وَلاَ تَهِنُوا وَلاَ تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ} [آل عمران۱۳۹] (و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!).

* این که خویشتن را به زیور صبر، پایداری، مجاهدت، جستجوی اجر و مزد در هرکاری و فروتنی در برابر الله متعال، آراسته ساخته و در هر مناسبتی روحیه‌ی نشاط و جدیت را از نو در خود ایجاد نمایی. الله متعال می فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اصْبِرُواْ وَصَابِرُواْ وَرَابِطُواْ وَاتَّقُواْ اللّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ} [آل عمران۲۰۰]. (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [در برابر مشکلات و هوسها] استقامت کنید! و در برابر دشمنان [نیز]، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، باشد که رستگار شوید!)

* این که با فرزندان و فامیل خویش بنشینی؛ هر چند در حد نیم ساعت باشد و با ایشان گرم بگیری؛ با قصه‌ی کوتاهی، یا بیان خاطره‌ای، یا مزاحی نمکین یا بیان نکته ای در اخلاق و آداب و یا آیه ای از قرآن و یا حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه وسلم).

* این که در ادای حقوق دیگران جدی بوده و از خود کوتاهی نشان ندهی؛ به ویژه حقوق والدین، حقوق خانم، حقوق فرزندان، حقوق همسایگان، حقوق اقارب، برادران و دوستان.

* این که روزه‌ی نافله بسیار داشته باشی، به ویژه ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه، دوشنبه و پنجشنبه از هر هفته، از ماه محرم و رجب و شعبان، نُه روز اول ذوالحجهٔ و سایر ایام الله.. طبق روایت ابوهریره (رضی الله عنه)، پیامبر (صلی الله علیه و سلم) در آنچه از پروردگار شان نقل می نمودند، فرمودند: «کل عمل ابن آدم له إلا الصوم فإنه لی وأنا أجزی به» [صحیح البخاری]. (تمام اعمال بنی‌آدم از خود اوست؛ جز روزه که از من است و من خود پاداش آن را می پردازم)

* این که تا آن جا که ممکن است مواظب چشم خویش باشی و از جانب تو آزاری به مردم نرسد و از کسی غیبت نکنی و زبان را در کنترل داشته باشی و در خوردنی و نوشیدنی ات در پی حلال باشی.

* این که در هر حال زبانت به یاد الله بجنبد؛ سوار بر عراده، حین رفت‌وآمد و در هرحال ممکن. الله می فرماید: {..الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللّهَ قِيَاماً وَقُعُوداً وَعَلَىَ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذا بَاطِلاً سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ} [آل عمران۱۹۱] (..همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند؛ [و می‌گویند:] بار الها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!)

* این که کارهای روزانه ات را روی جدولی بنویسی و در انجام آن ها بکوشی و آن چه امروز نشد فردا در انجام آن جدی باشی. الله متعال می فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ} [الحشر۱۸] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از [مخالفت] خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است!)

* کوشش کن زیاد نخوابی، به شش ساعت خواب در شبانه روز اکتفا کن؛ طوری که یک ساعت آن را در چاشت و پنج ساعت دیگر را در شب بخواب و در کارهای روزانه زیاد خود را خسته مکن

ادامه به صفحه ۲۱

فانوس ادب

شعر فلسطین

قربانگاه عشق

قدس امروز است قربانگاه عشق
کشته قومی گشته بر درگاه عشق
عشق آزادی، وطن خواهی، خدا
عشق بر اقصی که گشت از ما جدا
شکوه ایمان
به غزّه رو کن و بنگر شکوه ایمان را
به غزّه رو کن و بنگر نبرد شیران را
به غزّه رو کن و بنگرجنایت صهیون
که از شمار بود فتنه‌های شان بیرون
به غزّه رو کن و بنگرسکوت خفّت بار
از این شیوخ عرب، بردگان استکبار
به غزّه رو کن و بنگرحمایت مردم
به رغم ذلّت حکّام‌شان، از این مردم
به غزّه رو کن و بنما دعا که ای یزدان
نمای یاری‌شان در نبرد، در میدان
ببین تو بر لب شان لا اله الا الله
نمای یاری شان ای خدا به نصرالله
ندای (تنصروا) از تو شنیده میجنگند
ز یاری تو چنین استوار در جنگند
ز نسل لشکر بدر اند و فاتح خیبر
شکست فتنه‌ی صهیون بود از این لشکر

دیروز امروز فردا غزه

دیروز
از صلح نوشت، شور جنگت را برد
دستم را بست، پاره سنگت را برد
پلکت سنگین شد و نشستی بر خاک
خوابیدی و همسایه تفنگت را برد
امروز
زنجیریِ زندانِ شبِ پاییزیم
اشکیم که بر مزار خود میریزیم
بیپا، بیدست، بیهیاهو، بیسر
با اینهمه فردا که به پا میخیزیم:
فردا
در شامِ عبورِ شبروان فانوسیم
خاکِ رهِ آفتاب را می‌بوسیم
خونخواهِ سیاوشیم، رستم با ماست
بر باد دهِ کلاهِ کی‌کاووس ایم
غزه
توفان پیچید، برگی از پا افتاد
فریادی رفت و رفت، گم شد در باد
دستی با خون نوشت بر دامن خاک:
شمشیر یهود را زمان صیقل داد
امید مهدینژاد

شعله‌ی زیتون

به سودایی که بفشانم غبار بودن خود را
به دریا میسپارم دیده¬ی پاروزن خود را
خدا را، ای پیمبر زادگان! بی خواب و تعبیرش
میان گرگها گم کردهام پیراهن خود را
دلیلی کو برافروزد چراغ از شعله¬ی زیتون؟
که من گم کردهام در باد و باران میهن خود را
زمستان است و قندیل سکوت و قریههای دور
که میمویند در مه آفتاب روشن خود را
ضریحی باید از دریاچههای خفته در باران
که بندد دختر ساحل دخیل شیون خود را
افق افراشت در چشمم طلسم آیینههای راه
تماشا میکنم با هر قدم برگشتن خود را
بهارا، چتر خود بگشا، فراز برگ ریزانم
که شاید شعله افروزم شبی خود خوردن خود
بهروز

برخیز

ای قدس ای حماسه شورانگیز
بر دفع ظلم سامریان برخیز
بنگر که از شرارت صهیونی
گشته بهار خستهدلان پائیز
ابلیس حکم رانده به هر وادی
بس نارواتر از ستم چنگیز
بس سینهها که گشته ز کین صد چاک
بس دیدهها که گشته ز خون لبریز
در خاک و خون فتاده به هر برزن
پیر و جوان و کودک بی تمییز
آوای ناله میرسد از هر کوی
تیغ از نیام بر کش و بپرهیز
برگیر انتقام شهیدان را
صهیونیان شعله به دار آمیز
برکش لگام واقعه بیتأخیر
زین کن سمند حادثه و بستیز
ناباوران پست به آتش کش
سوزند تا به عرصه رستاخیز
این درد جانگداز به پایان بر
فرعونیان به نیلِ مذلت ریز
خواه از خدای عزّ و جلّ نصرت
شادّی مسلمین جهان را نیز
خون میشود به تیغ ستم پیروز
بردار سر ز زانوی غم برخیز

نوش جانتان

زمین که لقمهی شماست؛ نوش جانتان
و رو کنید هرچه هست در توانتان:
تفنگها و توپهای تازهساخته
نگاهبان اقتدار باستانتان
کلاههایتان، که یکقلم کلاهکند
و هفت موشکِ میانِ شمعدانتان...
همه بهجای خود، ولی عجیب خواندنیست
فرازهای انتهای داستانتان:
همین شما که ترس در نسوج قلبتان
رسوب کرده مثل حرص در دهانتان
همین شما که از هراس سنگهای ما
حصار میکشید گرد خان و مانتان
به راه سیلهای موسمی نشستهاید
اسیر دست موج هاست بادبانتان
به بام «نیل تا فرات»تان نمیرسید
شکسته است پلّکان نردبانتان
زمینِ زیر پایتان مذاب میشود
و صاعقهست مائده از آسمانتان
و جنسهای تازهتان که باد میکند
درون پستوی عتیقهی دکانتان
چه میکنید با هجومِ ناگهانِ ما؟
هزار رستمیم رو به هفتخوانتان...

قدس، بیشه ی شیران

اندی از دوران زنکی وصلاح الدین ایوبی نمیگذرد که- براثر تغافل وتکاسل مسلمانان- أحفادَ خنازیر با أحقادَ چرکین خویش بر شهر پاکَ پاکدلان(قدس) یورش آوردند. این انسان نماهای خوک دوست در پَی آنند که فلسطین را خوکدانی نمایند، خویش را ناجی انسان و رهبر مردمان پندارند حالانکه کلکسیون گرگها در قلعه زیبای انسانیت گِرده آمده و اسب آزادی را به رکوب گرفته و آنرا در حصارَ افسار نموده و گَرد نامیمون خود را در قلعه آدمیت به هوا نمودند وقدس را پایتخت خوک خواران و بوزینه زاده گان اعلان کرده و به رسمیت شناختند. آنانکه کمی خرد در سر داشته باشند به بیخردی او... شهادت میدهند وآنرا محکوم مینمایند و چنان کردند. و اما او... باید کمی خِرد از بازار خِرد بَخَرَد، فسوسا که آن خریدنی نباشد و پایش در گِل بیخردی بماند. بر آنان است تا پاس بدارند فلسطین ریش ریش را و حرمت گزارند قدس قدیس را؛ همان قدسی که خانه پیغمبران ومهد دلیران و بیشه شیران و خاک دلیران است، و بایسیتی موی غیرت پرچمداران ایمان چون میخ شود و باخود زمزمه نمایند که: قدس راه سعادت و نماد عزت و رمز قوت و راز کرامت و جام شهادت ماست.

قصور عقل

نویسنده: دکتور عبدالکریم بکار
ترجمه: محمد زبیر جامی

از اصلی ترین عواملی که در طول تاریخ باعث نابودی مردمان شده، کوچک شمردن مسایل بزرگ و توجه بیش از حد به مسایل پیش پا افتاده بوده است.

از جمله عقل بشری در زمره مواردی است که تمدن جدید در تعامل با آن اشتباهات مهلکی را مرتکب شده است، به گونه ای که جهان غرب پس از ناامید شدن از اصلاح مسیحیت، با بهره جستن از عقل، خیمه ای را بر پا کرد که -به ظن خودش- همه نیاز های روحی و مادی بشر را تامین کند.

امروزه نیز سیکولارها در بلاد اسلامی در آرزوی پیاده کردن عین برنامه بر علیه اسلام هستند، به گونه ای که از انجام هیچ گونه حمله ای بر ضد دین و افراد متدین دریغ نمی ورزند و همواره در تلاش اند که مرجعیت وحی را با استفاده از طرق مختلف زیر سوال برده و در نهایت نابودش کنند.

در این نوشته سعی خواهد شد مسئلهی قصور عقل طی چند نکته به بحث گرفته شود:

۱: عقل بشر کاملا محدود بوده و بنابراین محدودیت فقط میتواند محیطی را برای رشد دلالات، معانی و مفاهیم فراهم کند، همچنان که قادر است معلوماتی که از طریق حواس برایش فرستاده میشود را بررسی کند و از این طریق، راه خود را برای رسیدن به برخی از مسایل مجهول را هموار نماید.

اما عقل بشری از وارد شدن و تعمق در مسائلی که معلومات کافی در بارهی آنها برایش فراهم نشده کاملا ناتوان و درمانده است، بطور مثال عقل هرگز نمی تواند هدف خلقت انسان را مشخص کند و به این سوال پاسخ دهد که چرا ما اینجا هستیم؟

همچنان عقل بشری عاجز از وضع قوانینی است که مصالح همه مردم را به صورت عادلانه تامین کند، بدون اینکه به کسی ظلم روا داشته شود.

با این اوصاف، با قاطعیت میتوان گفت: عقل بشری ساختاری است که فریب دادنش بسیار آسان است، زمانی که اطلاعات غلط دریافت کند به سادگی دچار اشتباه می شود، چرا که توانایی عقل محدود است به شناخت وسائل، اشکال، روش ها و سایر موارد محدود، ولی زمانی که پای حقیقت ذاتی خودش در میان باشد ناگزیر، سر تسلیم فرود خواهد آورد.

عقل بشری به همان اندازه ای که در تعامل با کمیت مهارت دارد به همان اندازه در تعامل با ماهیت و یا آنچه که صفات نامیده می شود، ناتوان است.

نادیده گرفتن همهی این موارد که ثابت کنندهی کاستی در عملکرد عقل بشری است، باعث بروز اشتباهات فاحشی میشود که مستقیما بر سرنوشت و مسیر انسان ها تاثیر میگذارد.

۲: عقل بشری ساختاری کامل، متمایز و بی طرف نبوده و محیطش جدا از زمینه های شناختی و مشکلات و قضایایی که در پی علاج و بررسی آنها است، نمی باشد؛ بلکه ساختار عقل مرتبط به مجموعه ای از امکانات، مفاهیم و بدیهیاتی است که با داده های شناختی و مشکلات وجودی مختلف در آمیخته و مختلط بوده و در عین زمان با این پدیده ها رابطهی اثرگذاری و اثر پذیری برقرار میکند.

بطور مثال هر یک از ما زمانی که صحبت میکنیم، ضمن اینکه روی طرف مقابل تاثیر میگذاریم، از وی تاثیر نیز می پذیریم و همچنین حین آموزش دادن خود نیز می آموزیم.

عقل بشری به صورت ناخودآگاه از معلومات و مشکلاتی که سعی در تصحیح و حل آن دارد متاثر می شود و این امر از عمده ترین عوامل تزلزل عقل و عقب نشینی آن از بسیاری از مقولات و ایده هایش محسوب می گردد.

به همین دلیل هیچ ضمانتی برای استقامت یک مفکر در یک خط فکری وجود ندارد، هرچند که در این خط فکری به درجات بالا رسیده باشد و بر تمامی مفاهیم و مفردات این فکر مسلط باشد.

بطور مثال "هوسرل" پس از اینکه در علم پدیدار شناسی هزاران صفحه برای شناخت ساختارهای "ماهیت محض" اشیاء نوشت، به یک بارگی دچار تحول شد و با تاسیس کردن منهجی جدید، تفکر اروپایی که عبارت از حذف معنویات و اکتفا به منهج فکری و علمی محض است را زیر سوال برد و در یکی از کنفرانس هایش در سال ۱۹۳۵ م خطاب به جهان غرب گفت: آیا واقعا عقل کنار زده شده و نقش خود را در چرخهی حیات بشر را از دست داده است و یا برخلاف این، چهرهی حقیقی، فرصت طلب، مکار و منفعت جوی آن تازه برملا شده است.

این به آن معنی است که سپردن تمامی امور زندگی به عقل و منحصر کردن همه چیز به آن، مخاطر بزرگی را در پی دارد، و از همین رو چاره ای نیست جز بازگرداندن عقل به وظیفهی اصلی اش در چرخهی حیات، و حرکت کردن به سمت حقایق و مسلّماتی که ایمان به وحی با خود به ارمغان می آورد و همچنین اتکا کردن به اصول و مبادیی که وحی آنها را به بشریت معرفی کرده و دنبال کردن خطوط و گامهایی که برای ارشاد انسان و تنظیم روابطش ترسیم نموده است.

۳: کسی منکر این نیست که عقل بشری برای حل مشکلات انسان ها راه حل های زیادی سنجیده و در فراهم کردن امکانات و

اسباب آسودگی آنها نقش بسزایی ایفا کرده است، ما نیز به همین دلیل از عقل تقدیر می کنیم.

عقل با وجود دستاوردهای مثبتی که دارد، نابسامانی های زیادی مثل آلوده کردن محیط زیست، خطر سلاح های اتمی و کشتار جمعی، سیطره‌ی ماشین آلات بر زندگی انسان ها، امراض جدید و... را نیز ایجاد کرده که خود از پیدا کردن راه حلی برای رفع این مشکلات عاجز مانده است، چرا که عقل دائما به دنبال کشف خلاء موجود بین مشکلات و حل آنها در حرکت است، و این به آن خاطر است که محصولات و دستاوردهای عقلانی در بسیاری از موارد دچار غموض و پیچیدگی هایی می شوند که عقل در کنترل کردن و شکستن رمز آنها کاملا ناتوان است.

مثلا؛ عقل چگونه می تواند به کمک شخصی بیاید که به نشستن جلو تلویزیون معتاد شده و کاملا تسلیم خواهشات و تمایلات خود گردیده و وظایف خود را فراموش کرده است؟

این بدان معنی است که اعتماد کردن به عقل برای اصلاح مسیر بشریت بدون در نظر گرفتن ارزشها و مبادیی که وحی با خود به همراه آورده است، مساوی است به نابود کردن صواب و خشکاندن امید و پذیرش شکست.

۴: افرادی که بیشترین تعامل و استفاده از عقل شان را دارند، فیلسوف ها هستند، به گونه ای که ساختن مفاهیم توسط عقل مهمترین وظیفه‌ی شان محسوب می گردد، ولی با این وجود تمامی فیسلوف ها اعتراف می کنند که نمی توانند کسی را به درجه‌ی یقین برسانند و یا اینکه اصل مشکل در قضیه ای از قضایا را مشخص کنند و یا اینکه راهکار مشخصی برای حل این مشکل معرفی کنند، چرا که این امر کاملا یک فعالیت فکری است که مطرح کردن سوالات و اشکالات در آن هرگز متوقف نمی شود، درست مانند سریالی که هیچ پایانی ندارد، حرکت در این طرز فکر دائمی بوده و صاحبش را همیشه از یک اشکال به اشکال عمیق تر و پیچیده تر از ما قبل خود داخل می کند.

در اینجا قصد سرزنش کردن و اهانت به فلسفه را ندارم ولی می خواهم بگویم: مردم به یقین و چارچوب مشخصی نیاز دارند، هر چند که این چارچوب وسیع باشد، ولی در نهایت وجود دارد و واضح است.

این چارچوب حدی را برای بسیاری از پرسش های عقلانی مشخص میکند و به مثابه ی راهنمایی است به سمت مسیری که ممکن است برای پاسخ دادن به این سوالات طی شود.

این چارچوب دست یافتنی نیست مگر در دینی که خداوند جل و علا تمامی خیر و خوبی های موجود در ادیان سابقه را به یک جایی در آن جمع کرده است.

۵: عقل بشری از پیش بینی دقیق حوادثی که قرار است در آینده اتفاق بیفتد، کاملا ناتوان است، به طور نمونه برخی از مفکرین اروپایی تلاش کردند تا وقایعی که قرار است در آینده اتفاق بیفتد را با استفاده از چشم اندازی جامع در جهان هستی که شامل ساختارها، عناصر و قوانین آن می شود، پیش بینی کنند.

این تلاش براساس قاعده: اگر میخواهی بدانی در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد به حوادثی که در گذشته اتفاق افتاده است نگاه کن استوار است.

در حقیقت جز پرودگار عالمیان کسی دیگر غیب را نمی داند، و عقل بشری تنها توانایی حدس زدن در باره ی برخی از حوادث کوچکی که در آینده نزدیک اتفاق خواهد افتاد را دارد.

اما پیش بینی نمودن وقایع بزرگ در زمان های دور، توقعی است بیجا و بیهوده از عقل، و این بدان خاطر است که عقل بشری از شناخت تمامی تغییراتی که در آینده رخ خواهد داد ناتوان بوده و همچنین از شناخت عوامل موثر بر این تغییرات و تحولات عاجز و ناتوان است.

انسان هرقدر که بکوشد با بررسی و مطالعه‌ی تاریخ، قوانین حاکم بر جهان هستی را کشف کند، راه به جایی نخواهد برد، چرا که شناختش از اسباب و عوامل حقیقی ای که باعث بروز حوادث عظیم تاریخی شده اند، شناختی ناقص است.

زمانی که تلاش کنیم عوامل و اسباب حوادث بزرگ تاریخی را مشخص و حصر کنیم، با مشکل دیگری روبرو خواهیم شد و آن عبارت است از عدم توانایی برای تعین وزن هر یک از اسباب و حجم تاثیرش بر حوادث، اما زمانی که به تامل در سنت های الهی در این جهان بپردازیم البته به همان نحوی که در نصوص قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم ذکر شده است، دایره ی اشتباهات مان تنگتر می شود و درجه‌ی یقین مان بالا تر می رود.

۶: عقل بشری در حقیقت هیچ گونه تجهیزاتی در اختیار ندارد که مانع از تولید و قبول خرافات شود.

مبالغه نخواهد بود اگر بگوییم بنیاد اساسی عقل های بسیاری از مردمان ساختاری خرافی است، گویی که خرافات در نزدشان اصل است، به گونه ای که گاهی به دلیل نقص در فهم و دانش و یا در حالات استثنائی و دشوار، این بنیاد خرافی خود به خود شناور شده و نمایان می گردد.

اگر بپرسیم که قابلیت سقوط عقل بشری در باتلاق خرافات از کجا می آید؟ خواهیم دید که ما در مقابل حالتی قرار داریم که خالی از غموض و پوشیدگی نیست، اما می توان گفت که ریشه‌ی این امر برمی گردد به دو مسئله اساسی:

اول: عدم آگاهی ما نسبت به حوادثی

ادامه به صفحه ۱۹

نهضت های اصلاحی معاصر

محی الدین عریف شکیبانی

نهضت های اصلاحی معاصر، جنبش‌ها و حرکتهای اصلاحی ـ اجتماعی اند، که در اصلاح و ریشه کن کردن عوامل فساد در جهان امروزی، توانسته اند حرکت های اصلاح طلبانه و سازمان یافته، مطابق با احکام و دستورات اسلام، در ابعاد مختلف فکری، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی بوجود بیاورند، تا سبب تغییر وضع موجود به وضع مطلوب گردد.

طوریکه میدانیم پیدایش هر چیز در دنیای مادی بدون استثناء، به علت، سبب و انگیزه نیاز دارد. نهضت‌های اصلاحی معاصر هم که ازین قاعده مستثنا نیست، لذا نهضت های اصلاحی در واکنش به علل و عواملی بوجود آمده اند که علل آتی را میتوان از جدی ترین عوامل بوجود آمدن نهضت‌های اصلاحی معاصر به شمار آورد:

شکست خلافت عثمانی، ضعف دینی، فساد اخلاقی، روی گرداندن از فضایل معنوی، کشمکش های مغرضانه‌ی سیاسی، فردی و مذهبی، غرب زدگی، ناتوانی رهبری سیاسی در اداره‌ی امور جامعه، ترویج اندیشه‌ی جدایی دین از سیاست یا سکولار سازی شتاب زده درجوامع اسلامی، وجود استعمار غرب، انحطاط فکری، حضور اقتدارهایی سیاسی فاقد مشروعیت ، ایجاد شگاف بین ملت ها و حکومت ها، و از همه مهم تر احساس انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر که وجیبه ای دینی هر مسلمان می باشد.

عامل دیگری که نقش موثر در تأسیس نهضت‌های اصلاحی معاصرداشت، ناتوانی احزاب مختلفِ در کشور های اسلامی بود، که در ارائه‌ی راه نجات از سلطه‌ی بیگانگان و رهایی از انحطاط داخلی، عاجز و ناتوان بودند، علت این ناتوانی به این مسئله برمی‌گشت که این احزاب بر اساس خواسته های اشغالگران خارجی و نه بر مبنای خواسته های مردم پدید آمده و در ارائه برنامه ها و هدفها متأثر از آراء و اندیشه های بیگانگان بودند.

طبیعتاً چنین وضعیتی منجر به رواج فساد، ناامنی و عقب مانی کشورهای اسلامی گردید، و در نتیجه حرکتهای اصلاحی شکل گرفت، تا با مبنا قرار دادن اسلام در جهت بهبود وضع آشفته‌ی کشورهای اسلامی بکوشند.

جنبشهای اسلامی معاصر که با شناخت واقعیت های موجود بعد از سقوط خلافت عثمانی آغاز شده، می بینیم که در صحنه های علمی و عملی تبارز نموده و در حال حاضر بعنوان حرکتهای عظیم اصلاحی معاصر، در صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی جهان اسلام و دنیای بشریت نقش آفرینی می کنند. این پدیده‌ی عظیم اجتماعی بر پایه‌ی شناخت عوامل شکل گرفته و راه پر پیچ و خم خویش را به سمت آینده‌ی روشن، در پرتو ارشادات سازنده‌ی اسلام طی می کند. اسلامی که دارای کاملترین و جامع ترین قانون زندگی برای بشر است.

اهداف

نجات جامعه از انحراف و بدعت، پیاده شدن اسلام در زندگی سیاسی ـ اجتماعی مردم، دستیابی به استقلال سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، خاتمه دادن به حیات سیاسی و فزیکی اشغالگران و استعمارگران در کشور های اسلامی، آزادسازی دنیای اسلام از سلطه‌ی بیگانگان، مبارزه با جهل، بیماری و فقر، ترویج صلح جهانی، تجدید خلافت اسلامی، وحدت کشورهای مسلمان، از مهمترین هدفها و خواسته های نهضتهای اسلامی ـ اصلاحی معاصر است.

جنبشهای اسلامی برای نیل به هدفهای مذکور بر اساس اسلام و اصول قرآن به فعالیت پرداخته اند، و جهت برقراری صلح و آرامش و ایجاد استقلال و رهایی از ظلم، استعمار و استثمار و تطبیق واقعی فرامین اسلامی، باید نظام اسلامی شکل بگیرد، نظامی که در صدد مبارزه با عقب ماندگی کشورهای اسلامی و مقابله با هر گونه استثمار و استعمار خارجی و غرب زدگیست.

خواسته های نهضتهای اصلاحی معاصر، از علل وقوع این حرکتهای اسلامی و از آثاری که این جنبشها بر جای گذارده اند، هویداست.

بعد از بیان این مقدمه، درین بحث مختصر، همه‌ی جنبشهای اصلاحی معاصر را نمی توانم معرفی نمایم، فقط به ذکر مؤسس، اهداف، شعار و عقاید دو حرکت اصلاحی اسلامی بزرگ و مشهور جهان به نقل از کتاب (الموسوعۀ المیسره فی الأدیان والمذاهب المعاصره)، به طور مختصر اکتفا می کنم، تا ببینیم نهضتهای اصلاحی معاصر خواستار چه نوع تغیراتی در جهان اند؟

۱ـ اخوان المسلمین

اخوان المسلمین از عظیم ترین حرکتهای اسلامی معاصر است، این جنبش به بازگشت به سوی اسلامی دعوت می کند که در قرآن و سنت است. می خواهد شریعت در زندگی واقعی تطبیق شود. این نهضت علیه سیاست جدایی دین از دولت در منطقه‌ی عربی و عالم اسلامی ایستاد گی نمود.

مؤسس این دعوت شیخ حسن البنا رحمت الله علیه (۱۹۰۴ – ۱۹۴۹م) است. و بعد از شهادت امام حسن البنا، در اکتوبر سال ۱۹۵۱ م مستشار حسن الهضیبی به حیث رهبر اخوان المسلمین تعیین گردید.

«چون هدف حرکت عظیم اخوان المسلمین، برگشت به اسلام راستین و از بین بردن فساد و مقابله با استعمارگران و ظالمان بود، حکومت های وابسته تحمل این حرکت اصلاحی

و بیداری امت مسلمه را نداشتند، لذا به دستور استعمارگران به دستگیری و اعدام اعضای اخوان المسلمین اقدام نمودند.»

چنانچه در سال ۱۹۵۴ م حکومت وقت به دستگیری و تبعید هزاران نفر از اعضای این نهضت اقدام کرد و شش نفر را بنامهای شهید عبد القادر عوده، شهید محمد فرغلی، شهید یوسف طلعت، شهید هنداوی دویر، شهید ابراهیم الطیب و شهید محمود عبد اللطیف اعدام نمود.

در سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ م بار دیگر خصومت و تنش میان حکومت و اخوان المسلمین شدت گرفت و حکومت بار دیگر به گرفتاری، تعذیب و اعدام دست زد که در این بار سه تن را به شهادت رساند.

۱ـ شهید بزرگوار جهان اسلام سید قطب علیه الرحمه (۱۹۰۶ – ۱۹۶۶م) وی مفکر دوم بعد از شیخ حسن البنا در جماعت اخوان المسلمین و یکی از رهبران مجدد ایدئولوژی اسلامی شناخته می شود. وی چندین کتاب ادبی و فکری اسلامی نوشته که بارزترین آنها: تفسیر فی ظلال القرآن، العداله الاجتماعیه فی الاسلام، خصائص التصور الاسلامی و مقوماته، معالم فی الطریق، و... میباشد.

۲ ـ شهید یوسف هواش

۳ ـ شهید عبد الفتاح اسماعیل

بعد از حسن هضیبی عمر تلمسانی (۱۹۰۴، ۱۹۸۶م) رهبر جماعت اخوان المسلمین تعیین گردید.

تعدادی از افراد برازندهٔ اخوان المسلمین در خارج مصر هم تبارز نمودند از جمله:

* شیخ محمد محمود الصواف که مؤسس و رهبر عام اخوان المسلمین در عراق بود. وی چندین کتاب نوشته و در نشر اسلام در افریقا نقش بارزی داشت.

* دکتور مصطفی السباعی اولین رهبر عام اخوان المسلمین در سوریه، وی سخنور و نویسنده بود و از ایشان چندین اثر مانده از جمله (السنه و مکانتها فی التشریع الاسلامی، المراه بین الفقه والقانون، قانون الاحوال الشخصیه).

* در سال ۱۹۴۵ م جماعت اخوان المسلمین در اردن تاسیس گردید، و اولین رئیس آن شیخ عبد اللطیف ابو قوره بود و در سـال ۱۹۵۳م استـاد محمد عبد الرحمن خلیفه، مراقب عام اخوان المسلمین در اردن تعیین گردید. و بعداً در اکثر کشورهای اسلامی این نهضت نجات بخش، جای باز کرد.

افکار و معتقدات

اخوان المسلمین به اسلامی عقیده دارد که تحکیم بخش توجیهات مسلمانان باشد، و اسلام را منهجی میدانند که شامل هر یک از جنبه های حیات بوده و خواستار اقامهٔ دولت اسلامیّ اند، که سعی جهت اعلای کلمه الله در زمین داشته باشد.

این معنی را شیخ حسن البنا به این گفته خود چنین توضیح می دهد: اسلام عبادت و قیادت و دین و دولت و روحانیت و عمل و نماز و جهاد و طاعت و حکم و مصحف و شمشیر است، که هیچ یک از اینان از دیگران جدا نیست.

اخوان المسلمین از وقت تاسیس جماعت، بر توسعهٔ دائرهٔ عمل خود حریص اند، تا اینکه حـرکت شـان جهان شـمول

و بین المللی گردیده و به حکم تعدد مراکز، استمرار آن ضمانت گردد. حسن البناء میگوید: اخوان المسلمین دعوت سلفی، طریقه سنی، حقیقت صوفیه، هیئت سیاسی، تیم ورزشی، پیوند علمی و ثقافتی، شرکت اقتصادی و مفکورهٔ اجتماعی است.

شیخ بزرگوار جناب حسن البنا تاکید میکند که ویژگی های حرکت اخوان قرار ذیل:

* دوری از مواضع اختلاف
* فاصله از سلطهٔ اشراف و بزرگان
* دوری از احزاب و هیئت ها
* عنایت و مراقبت به خود سازی و تدریج در مراحل
* اختیار نمودن بهره وری ناحیه عملی بر انتشارات و اعلانات
* توجه و اهتمام به جوانان
* تسریع انتشار دعوت در قریه ها و شهر ها

خصوصیات جماعت اخوان المسلمین

شیخ حسن البنا تذکر میدهد که بارزترین ویژگی های دعوت اخوان عبارت اند از:

* این دعوت ربانی است زیرا اساسی که محور اهداف ماست این است که مردم به پروردگار شان نزدیک شوند.

* دعوت جهان شمول و عالمی است، زیرا این دعوت متوجه همه مردم است و همه مردم در نظر دعوت برابر اند، اصل شان یکی است. از همدیگر برتری ندارند مگر به تقوا و به واسطهٔ خیر و فضیلت عامی که به جمع تقدیم می نمایند.

* این دعوت اسلامی است، چون به اسلام منسوب است.

استاد حسن البنا مراحل کار مطلوب، از یک برادر صادق را چنین تائید می نماید:

* اصلاح نفس خود، تا جسم قوی، خلق متین، فکر قابل اعتماد و عقیدهٔ سلیم داشته، عبادتش درست و بر کسب و کار توانا باشد.

* ساختن خانوادهٔ مسلمان، طوری وادار نماید خانواده خود را به احترام فکرش و محافظت بر آداب اسلامی در تمام مظاهر زندگی خانوادگی.

* راهنمایی جامعه بوسیله نشر دعوت خیر، و مقابله با رزائل و منکرات.

* آزاد سازی وطن از هر نوع تسلط سیاسی اقتصادی و روحی بیگانگان غیر مسلمان.

* اصلاح حکومت تا واقعاً اسلامی باشد.

* باز گردانیدن شخصیت بین المللی برای امت اسلامی، توسط آزاد سازی ممالک آنان و زنده ساختن مجد و عزت شان.

* تعمیم همهٔ عالم به نشر دعوت اسلامی در هر گوشه و اکناف، تا دیگر فتنهٔ باقی نماند و دین همه اش از آن خدا باشد (و الله متعال نور خود را

تکمیل کردنی است)

شیخ بزرگوار جناب حسن البنا مراحل دعوت را به سه بخش تقسیم می کند:

*تعریف * تکوین و ساختن

* تنفیذ و اجراء نمودن

استاد حسن البنا در رساله‌ی التعالیم میگوید: ارکان بیعت ما ده چیز است آنها را حفظ نما

(* فهم * اخلاص * عمل * جهاد * قربانی * طاعت * ثبات * تجرد * برادری و اعتماد)

بعد از آن به شرح هر کدام ازین ارکان می پردازد و میگوید: ای برادر صادق این بطور مجمل برای دعوت تو و بیان مختصر برای فکر توست، و می توانی این مبادی را در پنج کلمه جمع نمایی:

* الله هدف ماست * رسول الله رهبر ماست * قرآن قانون ماست

* جهاد راه ماست

* شهادت بزرگترین آرزوی ماست.

و میتوانی مظاهر آنرا در پنج کلمه دیگر خلاصه سازی:

* ساده بودن *تلاوت قرآن کریم * نماز

* سرباز بودن *اخلاق

استاد سید قطب فهم خود و فهم اخوان را از اسلام در کتاب خود (خصائص التصور الاسلامی و مقوماته) منعکس ساخته و خصائص این تصور را بر امور ذیل استوار میداند:

* ربانی بودن * ثبات * شمول* توازن

* مثبت گرایی * واقع گرایی* توحید

۲- جماعت اسلامی

جماعت اسلامی شبه قاره هند پاکستان، جماعت اسلامی معاصر است، که تمام سعی و تلاش خود را در راه برقراری و تطبیق شریعت اسلامی در زندگی مردم و مقابله جدی با تمام انواع و اشکال دستورالعمل های سکولاری که قصد سیطره بر منطقه را داشت، تمرکز داده است.

اولین داعی و مؤسس آن ابو الاعلی مودودی(۱۹۰۳ – ۱۹۷۹ م)رحمه الله است.

افکار و معتقدات

عقیده‌ی جماعت اسلامی، عقیده‌ی اهل سنت و جماعت است. و فکر جماعت بطور اجمال ازین عقیده، از دعوت به توحید و تمسک به کتاب خدا و سنت نبی اش و عمل فوری جهت تطبیق شریعت اسلامی در زندگی واقعی بشر، بیرون نیست.

عقیده‌ی مودودی این بود که اسلام یک نظام فلسفی صرف نیست، بلکه یک نظام کامل برای زندگی است و تا وقتی که نمونه و مثال آنرا عملاً در پیش روی خود نبینیم از راه کلام و سخن هیچ خدمتی به اسلام کرده نمی توانیم.

اهداف جماعت

اهداف جماعت را در امور آتی خلاصه می نمائیم:

* اسلام نظام شاملی برای همه بشریت و بطور خاص برای مسلمانان است.

* دعوت برای هر کسی که اظهار به اسلام می نماید، این است که خالص بگردانند دین شانرا برای خدا و نفسهای خود را تزکیه کنند، تا از تناقض و نفاق نجات یابند.

* دعوت برای تمام اهل زمین این است که حاکمیت حاضر را از دست طواغیت و فجار مفسد نجات دهند و امامت فکری و علمی را از دست شان بیرون آورده و بدست مسلمانان مؤمن انتقال دهند.

برنامه‌ی اصلاحی مودودی

برنامه های اصلاحی مودودی از چهار نقطه تشکیل می شود.

* تزکیه و پاک کردن افکار* اصلاح فرد

*اصلاح اجتماع *اصلاح نظام حکومت

مودودی جهاد خود را در مقابل چهار چیز تمرکز داده بود.

* در مقابل مفکوره‌ی اتحاد قومی که در داخل هند وجود داشت * ضد سیطره و تسلط تمدن غربی * ضد فرمان روایانی که دارایی افکار ضد اسلامی بودند

* ضد تنگ نظری های دینی

مودودی بخاطر تثبیت و مستحکم شدن حرکت به سه نقطه تأکید می کرد.

* شخص باید به این قناعت نکند که همراهانش در عقیده‌ی خویش قوی هستند، بلکه در رفتار فردی خویش نیز باید مورد اعتماد باشند.

* باید نظام دعوت چنان محکم و قوی باشد که هیچ نوع تساهل و سستی را نپذیرد.

* باید دعوت در لحظه‌ی واحد مشتمل بر دو نوع از داعیان باشد.

الف: داعیانی که دارای ثقافت اسلامی قدیمه باشند

ب: داعیانی که دارای ثقافت و علوم عصری جدید باشند.

در مرامنامه‌ی جماعت اسلامی پاکستان چنین آمده است: جماعت باید کتاب خداوند متعال و سنت رسولش صلی الله علیه وسلم را به حیث دو مصدر احتجاج و استدلال در تمام امور زندگی با خود داشته باشد.

بر خلاف گروه های سری در جهان، مقابله و کوشش جماعت بخاطر رسیدن به هدفش باید از راه های مخفی نباشد، بلکه هر کاری که انجام می دهد آشکارا و در روشنی روز باشد.

جماعت‌به خاطر عملی کردن اصلاحاتی که در جستجوی آنست و انقلابی که در طلبش قرار دارد، از طرق دستوری و قانونی پیش می رود، همچنان به خاطر تغییر و نوع آوری یی که آنرا هدف قرار داده است، در تلاش کسب نمودن رأی عام مردم است.

ریشه های فکری و اعتقادی

ابو الاعلی مودودی در قدم اول دعوت خود را از کتاب خداوند متعال و سنت رسولش صلی الله علیه وسلم اخذ نموده و وی به پاک کردن عقیده از شوائب شرک، ضروری بودن بازگشت به سوی دو سر چشمه زلال (قرآن و سنت)، رجوع به سوی دلیل در هر امری و از بین بردن بدعات وارده در دین شدیداً و دائماً اصرار میورزید. مودودی از فیلسوف اسلام محمد اقبال لاهوری که فکر جدائی پاکستان مسلمان از هندوستان را به میان آورد نیز متأثر بود، و اقبال را خیلی دوست داشت، ایشان فقط سه بار باهم ملاقات کرده

اند و در هر سه بار فکرهای شان خیلی زیاد با هم مطابقت داشت.

بین دعوت اخوان المسلمین و دعوت جماعت اسلامی تاثیر و تأثر (تاثیر گزاری و تاثیر پذیری) وجود داشت و

کتب هر یکی از این دو جماعت در منهج دیگر تدریس می شد حسن البنا کتاب (الجهاد فی الاسلام) را که مودودی تألیف نموده بود مطابق به افکار جهادی خود یافته سرور و خوشی خود را از آن اظهار نمود.

نتیجه

نهضت‌های اصلاحی معاصر خواهان تطبیق شریعت اسلامی در زندگی مسلمانان و اعاده‌ی مجد و عزت اسلامی اند. و این مأمول زمانی بدست می آید که امت مسلمه واقعاً متحد گردیده و مانند بنیان مرصوص، پیرو قرآن و سنت بوده و مسلمانانی نیرومند، قوی، با قدرت، فهیم، دانشمند، متخصص، زیرک، سیاستمدار، اصلاح پذیر، اصلاحگر و با ایمان داشته و بر سرنوشت خود حاکم باشند.

اصلاحگری و اصلاح پذیری یکی از وجیبه های دینی و مسئولیت های اسلامیست، مکتب اسلام مکتبی مسئولیت پذیر است و مسلمان باید به پاسخگو بودن نسبت به گذر عمر و اصلاح خود، خانواده و جامعه آگاهی داشته باشد، انسان مومن در برابر تمام لحظات زندگی خود مسئول است، اسلام جامعه منظمی میخواهد که با عدل اداره شود و مسلمان در راه رسیدن به این مأمول باید سعی و تلاش نماید.

هراس و وحشت دشمنان دین از رهبران نهضت های اسلامی معاصر خصوصاً حرکت اخوان المسلمین، این است که رهبران نهضت های اسلامی، مردم را به حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی شان آگاه می کنند، حکومت های غرب زده و استعماری را معرفی می نمایند، بر ضد فساد و استبداد حاکمان ظالم مبارزه می کنند، به این علت مورد خشم و یاوه گویی های حکومت های ظالم و باداران شان قرار میگیرند.

اگر اصلاحاتی را که اسلام از ما می خواهد در زندگی فردی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود عملی نمائیم به استقلال و آزادی رسیده و از بند استعمار و استثمار رهائی خواهیم یافت.

ادامه صفحه ۱۵

که اتفاق می افتد، مثلا اگر بگویم در روی زمین در هر دقیقه صد میلیون حادثه رخ میدهد، هر یک از ما مطمئنا نمیتواند بیش از ۵ یا ۱۰ حادثه را ببیند و سایر حوادث دور از نظرمان اتفاق خواهد افتاد، ضمن اینکه دانش مان نسبت به گذشته نیز به همین شکل واقعا محدود است.

بسیاری از مردم قائل به وجود دنیاهای دیگری بغیر از دنیای ما هستند که حواس ما قادر به درک کردن آنها نیست، بطور مثال زمانی که در مورد برخی اتفاقات غیرعادی و غیر مالوف صحبت کنیم، بسیار پیش می آید که عقل های مان می پذیرد که این پیش آمد متعلق به دنیای دیگری است که انسان قادر به درک آن نیست، در حالی که اغلبا این اتفاقات چیزی جز خیال پردازی و یا دروغی محض نیستند.

دوم: عقل سخنانی را که می شنود اگر در دایره‌ی معقول باشند، می پذیرد و اگر این سخنان خارج از دایره‌ی مذکور قرار گیرند، ردشان خواهد کرد.

بگونه‌ی مثال؛ اگر گفته شود در فلان کشور شخصی وجود دارد که ۱۰ تن بار برپشتش حمل میکند، مطمئنا این سخن را نمی پذیریم و آنرا از زمره‌ی خرافات می شماریم، چرا که به نسبت ما در دایره‌ی اخبار غیرمعقول قرار دارد، ولی مشکل اینجاست که ترسیم کننده‌ی دایره‌ی معقول و غیر معقول در اغلب موارد، عقل نیست؛ بلکه دانش و تجربه است که این دایره را ترسیم می کند.

مثلا اگر شخصی بگوید به من هزار دالر بده تا با آن تجارت کنم و در آخر سال صدهزار دالر فایده خواهی کرد، در اینجا پذیرفتن و یا عدم پذیرش این سخن به عقل ارتباط ندارد بلکه مرجعی که تعین کننده است، خبره و آشنایی با تجارت و اوضاع بازار در این سال است. پس اگر با کسی که در تجارت دارای تجربه است مشورت کنی برایت خواهد گفت این سخن را باور نکن چرا که ماهرترین تاجران نیز در اوضاع کنونی نمی توانند سرمایه خود را در ظرف یک سال، دو و یا سه برابر کنند، چه برسد به اینکه سرمایه ات صد برابر افزایش یابد.

اما ممکن است شخص دیگری که دارای تجربه‌ی کافی در تجارت نبوده و یا هم شناختش از اوضاع بازار متفاوت از شخص قبلی باشد برایت بگوید این امر کاملا منطقی و معقول است چرا که سرمایه‌ی فلان شرکت در فلان سال بیش از صد برابر افزایش یافته بود و هیچ مانعی وجود ندارد که این اتفاق حالا برای تو بیفتد، اینگونه است که افزایش صد فیصدی سرمایه در یک سال، به اساس تجربه‌ی یک شخص، امری کاملا منطقی و معقول به نظر می رسد و به اساس تجربه‌ی فردی دیگر، چیزی جز خرافات و فریب نیست.

به همین منوال مردم در برابر بسیاری از وقایع و احداث به دو گروه تقسیم می شوند، یک گروه می گویند این کار معقول و منطقی است و گروه دیگر می گویند این کار غیر معقول است.

اینگونه است که عقل بیچاره دو مرتبه مورد ظلم و ستم قرار گرفته است، یک مرتبه توسط اهل خرافات و شعبده بازان -همان هایی که نقش عقل را کاملا منکر شده اند- و بار دیگر توسط کسانی که از نعمت هدایت در پرتو نور وحی محروم شده و عقل را اله خود قرار داده اند و از عقل چیزهایی را طلب می کنند که دخالت در آن اصلا جزء وظایفش محسوب نمی شود.

رازهای درمانی گوش دادن به قرآنکریم

تهیه کننده : دکتر احمد خیبر موحد

قرآن نسخه ای است که حقیقت آن، اقیانوسی است بیکران که رسیدن به اعماقش جز برای راسخین در علم مسیر نیست. از ابتدای آفرینش، بشر در پی سایبانی برای رسیدن به آرامش می گردد. برای آدمی، کنجی که در آن آرامش سیطره یافته باشد از سیطره بر عالم ناآرام خوشایندتر است. او همواره به دارویی برای شفای دردها و آلام روحی خویش نیازمند است.

اگر چه از نزول این کتاب هدایتگر، انسان ساز و داروی آرامبخش آسمانی بیش از هزار و چهار صد سال می‌گذرد، باز هم آدمی به ابعاد گسترده و اعجاز تاثیرگذار آن حیرت زده شده و با گذشت زمان به حکمت های آن در عرصه های مختلف پی می‌برد. پی بردن به خاصیت آرامبخش و درمانی قرآن یکی از مهمترین حکمت های قرآن است که حتی مورد تایید اشخاصی قرار می‌گیرد که به این کتاب ایمان و عقیده هم ندارند.

قرآن درمانی

امروزه بسیاری از درمان‌کننده‌گان صوتی مثل آنی ویلیامز آمریکایی که بیمارانش را با صدای موسیقی درمان می کند، به نتایج مهمی در این رابطه دست یافته اند. اما این نتایج به سبب عدم تأثیر مطلوب موسیقی بر سلول ها، بسیار محدود است. با توجه به اظهارات گذشته‌ی وی اذعان داشت که در درمان سرطان کلن و تومورهای بدخیم مغزی و بیماری های دیگر با موسیقی به نتایج ارزنده ای دست یافته است.

حقایق علمی را در سال ۱۸۳۹، دانشمندی به نام "هنریک ویلیام دوف" کشف کرد که امواج صوتی خاصی روی مغز تأثیر مثبت و یا منفی می گذارد. و هنگامی که گوش را در معرض امواج صوتی قرار داد، مشاهده کرد که سلول های مغزی به این امواج واکنش نشان می دهند. سپس در یافتند که سلول های مغز در حالت لرزش، طول حیات شان افزایش می یابد، و هر سلول با نظم خاص خودش می لرزد و سلول های اطرافش را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. و حتی کاهش در لرزش نوار آنهادر اثر بیماری را می توان با امواج صوتی به حالت متوازن و اولیه برگشت دهیم.

امروزه بسیاری از پزشکان به درمان بیماری های سختی مثل سرطان و بیماری های دیگری که علم پزشکی قادر به درمان آن نیست، با استفاده از لرزش های صوتی، می پردازند. هم چنین با استفاده از این امواج بیماری های مثل اختلال در گیجگاه و نگرانی و آشفتگی و مشکلات بی خوابی را نیز درمان کرده اند. هم چنین درمان و اصلاح عادات بد مثل کشیدن سیگار و اعتیاد و... با استفاده از این امواج ممکن است.

در واقع گوش سپردن به قرآن به درمان بیماری ها محدود نمی شود، بلکه در پیشرفت و تکامل انسان و بهبود روابط اجتماعی تاثیر انکار ناپذیری می گذارد که در نتیجه، افزایش خلاقیت و نوآوری را سبب می شود.

خاصیت شفا دهندگی آیات قرآنی!

محقق اعجاز علمی قرآن عبدالدایم الکحیل می نویسد: من آیات زیادی را یافته ام که نشانگر این است که قرآن حاوی اطلاعات بسیاری است، دقیقا مثل موج رادیو که یک موج عادی است، اما روی آن می توانند اطلاعات و صدا ها و موزیک و... را منتقل کنند.

الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا﴾ [الرعد: ۳۱] (اگر، قرآنی باشد که کوهها بدان به حرکت درآید، یا زمین به وسیله آن شکافته گردد، و یا بدان مردگان [زنده و] به سخن درآورده شوند، [باز هم بعضیها به سبب عناد با حق، بدان نمی گروند و بر راه خدا نمی روند. وظیفه تو تبلیغ است و ایمان آوردن یا ایمان نیاوردن آنان در دست تو نیست] بلکه همه‌ی کارها در دست خدا است.)

اگر عمیقاً در این آیات بیندیشیم شاید این سؤال برای مان پیش بیاید که چگونه قرآن باعث حرکت کوه ها می شود؟ یا چگونه زمین را قطعه قطعه می کند؟ یا چگونه با مردگان سخن می گوید؟ در واقع واضح است که زبانی که مردگان را مخاطب قرار می دهد، امر الله تعالی است و هیچ کسی فرمان بردار نیست مگر کسی که الله اراده کند.

اما در مورد کوه ها... امروزه ما می دانیم که صفحه های زمین به صورتی آهسته یعنی تقریبا سالانه چند سانتی متر، در حال حرکت است که کوه ها نیز به همراه آن حرکت می کنند. این حرکت در نتیجه‌ی امواج حرارتی است که از قسمت گداخته‌ی زیر پوسته‌ی زمین، تولید می شوند. بنا بر این می توان بیان کرد که قرآن دارای خاصیتی است که می تواند با امواج حرارتی ارتباط برقرار کند و با تحریک آن سرعت فعالیت و حرکتش را افزایش دهد و یا قادر است که شکاف ها و زلزله هایی در زمین ایجاد کند که سبب از هم گسیختگی پوسته ی زمین و تکه تکه کردن آن شود. این همان نیروی خارق العاده ای است که الله اجازه نداده است تا به آن دست یابیم، اما با توجه به مشاهدات می توانیم به این خاصیت قرآن و عظمت آن پی ببریم. پس آیا این کتاب که چنین نیروی خارق العاده ای دارد، قادر به شفای بیمار ضعیفی نیست؟

بعد از بیان این سخنان یادآور می شویم که الله تعالی در قرآن می فرماید که قرآن درمان است، و این بدان معنی

است که قرآن حاوی اطلاعاتی است که سلول های آسیب دیده را ترمیم کرده و بسیاری از بیماری هایی را که پزشکان از درمان آن عاجزند را درمان می کند.

تاثیرات قرآن در بهبود امراض روانی

در تحقیقی که در سال ۱۳۷۷ (تحت عنوان بررسی تاثیر قرآن بر اضطراب بیماران قبل از عمل جراحی) بر روی ۸۰ نفر انجام شد، نتایج نشان داد که در گروه آزمون ۴۰ نفر که با استفاده از ضبط صوت و گوشی حد اقل ۲ بار هر بار به مدت ۱۵ دقیقه قبل از عمل به آوای قرآن (آیات ۱ تا ۳۶ سوره‌ی مریم) گوش دادند، میزان کاهش اضطراب نسبت به گروه شاهد بطور معنی داری بیشتر بود. راست گفت الله منان که می فرماید: {أَلاَ بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ} [رعد:۲۸] (هان! دلها با یاد خدا آرام می گیرند)

به اساس تحقیقات صورت گرفته در آمریکا ثابت شده است، گوش کردن به صوت ترتیل قرآن کریم، تغیرات فیزیولوژیکی در سیستم عصبی انسان ایجاد می کند و تنش های شدید روحی را کاهش می دهد. تاثیر آرام بخش شنیدن قرآن کریم در افراد عصبی و پر تنش به حدی است که ۹۷ در صد این مشکلات کاهش می یابد. جالب تر آنکه این نتایج مثبت در حالی به دست آمده است که بسیاری از این افراد حتی با زبان عربی آشنا نبوده و متوجه مفهوم آیات نمی شدند. در همین راستا، پایگاه انترنتی "میدل ایست آن لاین" هم گزارش داد، کسانی که تسلط به زبان عربی ندارند نیز از شنیدن آیات قرآن به آرامش می رسند و این به علت تاثیر فیزیولوژیکی آن به سیستم عصبی آنهاست.

درمان مشکلات جسمی با آوای قرآن

تلاوت قرآن، دعا و هر عملی که باعث تقرب به الله متعال شود، باعث کاهش درد می گردد و این سخن در کتاب معتبر طب به نام current medical diagnosis and treatment در صفحه ۷۵ ذکر شده است که دعا از اسباب تخفیف درد بیمار است. اگر به زندگی پیامبران و اصحاب رسول الله نگاه کنیم، شگفت زده خواهیم شد، چون می‌بینیم چگونه در مقابل مشکلات و شکنجه ها مقاومت می‌کردند؛ در حالی‌که اشخاصی با بدن و هیکلی بزرگ در مقابل همچو اذیت و آزارها به زودترین وقت تسلیم می‌شود اگرچه در مقابل باطل قرار داشته باشد. اما شخصی که دعا می‌کند و با الله سبحانه و تعالی ارتباط برقرار می‌کند، قوه‌ی تحمل اش افزایش یافته و درد کمتری را احساس می کند.

تحقیقی در سال ۱۳۷۳ در دانشگاه تربیت مدرس تحت عنوان بررسی میزان تاثیر آوای قرآن کریم بر کاهش درد بیماران، بعد از عمل جراحی شکم انجام یافت، که نتایج پژوهش، بیانگر تاثیر شگرف آوای قرآن به عنوان یک صوت سازمان یافته‌ی موزون و یک آهنگ دلپذیر دینی و عرفانی بر کاهش درد بعد از اعمال جراحی شکم، می باشد.

پژوهشی در سال ۱۹۹۱ در مجله British journal به چاپ رسیده که عنوان آن درمان سرطان به روش طب سوزنی رادیو فرکانس با استفاده از تلاوت قرآن کریم است. در این تحقیق دکتر Imam به همراه یک تیم کامل طبی صبورانه و به مدت هشت سال به طور نیمه تجربی به مطالعه و تحقیق پرداخته اند. روش تحقیق به این صورت بوده که تلاوت آیات ۱۹-۱ سوره مبارکه یس را به امواج رادیویی به کمک ترانس دیوسری همراه روش طب سوزنی با بیمار عبور می دادند، محققین به این نتیجه رسیدند که در این روش علاوه بر این که کاهش علایم کلینیکی قابل ملاحظه ای شامل تسکین درد، بهبود خواب، رفع تهوع و استفراغ، کاهش تومور و بهبودی سریع زخم مشاهده گردیده و در ۲۰ درصد موارد، جواب مجدد پتالوژی منفی گزارش شده و در ۴۰ در صد موارد بهبود نسبی بوده است.

منابع مورد استفاده:

در گستره طب نبوی نوشته دکتر نجیب گیلانی

غم مخور؛ نوشته دکتر عایض القرنی

Current medical diagnosis and treatment

www.kaheel7.co

www.tim.ir

ادامه صفحه ۱۱

تا از لذت عبادت محروم نمانی.

* زیاد به یاد مرگ باش؛ مرگی که تمامی خوشی ها را نابود و جماعت ها را متفرق می سازد و در دنیا مانند یک غریب یا عابر راه زندگی کن. چنان که پیامبر(صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «کن فی الدنیا کأنک غریب أو عابر سبیل» [صحیح مسلم] (در دنیا چنان باش که گویی غریب یا عابری در راه هستی). ابن عمر که سخت تحت تاثیر این نصیحت قرار داشت، می فرمود: «چون صبح کردی منتظر شام مباش و چون بر تو شب آمد در انتظار صبح به سر مبر. از صحت خویش برای بیماری و از زندگی ات برای مرگ توشه ای برگیر.

* از پرخوری و زیاده روی در طعام بپرهیز و توصیه‌ی پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را اجابت کن آن جا که فرمودند: «نحن قوم لا نأكل حتى نجوع وإذا أكلنا لا نشبع» (ما قومی هستیم که نمی خوریم تا گرسنه نشویم و آن گاه که غذا می خوریم سیر نمی خوریم)

* این که صفات دهگانه ای که خاصه‌ی یک مسلمان ملتزم و مسوولیت شناس است را در خود ایجاد کنی و آن عبارت است از: جسمی قوی، اخلاقی استوار، فکری روشن، قادر برکسب و کار، عقیده‌ی سالم، عبادت درست، مجاهد بانفس، حریص بر وقت، منظم در امور و مفید برای دیگران.

* این که نشانه های دعوتگران در شخصیت تو فراهم آید که عبارت است از: گشاده‌رویی، تلاوت، نماز، سربازی و اخلاق نیکو.

اخبار جهان اسلام

فستیوال غذا و صنایع دستی مسلمانان در فلوریدا



جامعه‌ی اسلامی شهرهای ساراسوتا در ایالت فلوریدای آمریکا میزبان فستیوال سالیانه غذا و صنایع دستی مسلمانان بود.

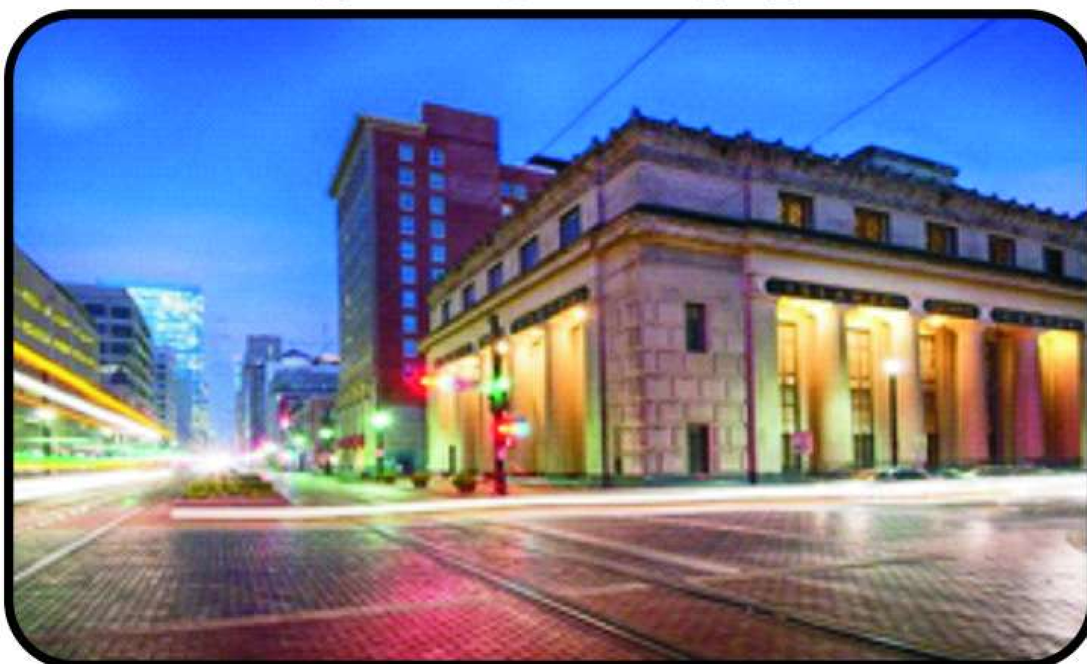
این فستیوال شنبه (۱۸ قوس) در مسجد شهر ساراسوتا برگزار شد و شامل بازدید از مسجد، خرید صنایع دستی مسلمانان و پذیرایی با غذاهای سنتی مراکش، هند و کشورهای خاورمیانه بود.

محمد بن خالد، امام جماعت مسجد ساراسوتا با بیان اینکه هر سال تقریبا هزار نفر در این فستیوال شرکت می‌کنند،گفت: این برنامه به مدت چهار سال به صورت موفقیت‌آمیز برگزار شده و زیبایی آن در افزایش شرکت‌کنندگان در هر سال است.

بن خالد افزود: ۲۰ سال پیش تعداد کمی مسلمان در این شهر زندگی می‌کردند که بعضی از آن‌ها در خانه‌ای کوچک نماز می‌خواندند که بعدا تبدیل به مسجد شد و اکنون سیصد الی چهارصد خانواده مسلمان در این شهر ساکن هستند.

وی با اشاره به طرح ایجاد مدرسه ی اسلامی جدید در ساراسوتا تاکید کرد: تاسیس این مدرسه باعث خواهد شد مسلمانان بیشتری این شهر را برای زندگی انتخاب کنند.

مرکز اسلامی الدعوه



مرکز اسلامی «الدعوه» در شهر هیوستون عنوان یکی از مراکز اسلامی مهم این کشور شناخته شده که بخشی از آن موزه‌ای در حال تأسیس درباره ی تاریخ تمدن ۱۴۰۰ ساله ی اسلامی اس‌ت.

مرکز اسلامی الدعوه که هر هفته پذیرای مسلمانانی از طیف‌های گوناگون جامعه از کارکنان صنایع نفت و گاز و مراکز پزشکی، تجاری، آموزشی، گرفته تا مرکز فضایی ناسا است، توسط یک بسکتبالیست ملی‌پوش آمریکایی خریداری و تأسیس شد.



ساخت الدعوه

مرکز اسلامی الدعوه قبلا ساختمان بانک ملی هیوستون بود که در سال ۱۹۹۴ توسط حکیم اولاجان (Hakeem Olajuwon)، بسکتبالیست مسلمان سرشناس و ملی‌پوش سابق آمریکایی نیجریه‌ای تبار که عضو حرفه‌ای ان بی ای (اتحادیه ملی بسکتبال) بود، خریداری و به مرکز اسلامی تبدیل شد.

مرکز اسلامی الدعوه کارکنانی از کشورهای مختلف از تونس، مصر، اردن و مکزیک دارد.

گام بلند ترکیه برای افزایش تولید محصولات حلال



اجلاس جهانی محصولات حلال در حالی در استانبول برگزار شده که ترکیه تلاش زیادی را به منظور افزایش سهم خود در بازار تولید این نوع محصولات آغاز کرده است.

یونس إتی، رئیس شورای اجلاس جهانی محصولات حلال در استانبول در این باره گفت: ترکیه این توانایی را دارد که سهم خود در بازار تولیدات حلال را طی مدتی کوتاه از ۱۰۰ میلیارد دلار به ۴۰۰ میلیارد دلار افزایش دهد.

وی افزود: این هدف با سیاست‌های دولت ترکیه و بخش خصوصی این کشور محقق خواهد شد.

یونس اتی همچنین تصریح کرد: تعداد مسلمانان جهان بیش از یک میلیارد نفر است و اهتمام آنان به مواد غذایی حلال روز به روز بیشتر می‌شود.

وی گفت: سرمایه‌گذاری اسلامی در انگلیس، سوئیس، مالزی، بحرین، عربستان و امارات بسیار مورد استفاده قرار گرفته

و خدماتی که در این زمینه ارائه می‌شود، مشتریان زیادی دارد.

تحریم کالاهای آمریکایی



حدود سیصد عالم مسلمان از بنیادهای مختلف سراسر جهان از جمله هیئت علمای فلسطینی ساکن خارج، انجمن علمای اهل سنت، مجلس اسلامی سوریه، آکادمی فقه اسلامی عراق، شورای علمای عراق، هیئت علمای لیبی، اتحادیه و انجمن علمای اهل سنت ترکیه و اتحادیه علمای مسلمان استرالیا با انتشار بیانیه‌ای در واکنش به تصمیم دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا برای شناسایی قدس به عنوان پایتخت اسرائیل، خواستار تحریم کالاهای آمریکایی، اسرائیلی و کشورهای حامی آنها از سوی مسلمانان شدند.

علمای مسلمان همچنین با تاکید بر اینکه افراد، نهادها و دولت‌هایی که دارای حساب در بانک‌های آمریکایی هستند باید دارایی خود را پس بگیرند، اعلام کردند اینگونه اقدامات می تواند یکی از واکنش‌های فعلی در برابر دولت آمریکا باشد.

محمد الحاج، دبیرکل هیئت علمای فلسطینی ساکن خارج در گفتگو با خبرنگار آناتولی اظهار داشت: «تحریم، سلاحی در مقابل تکبر آمریکا است که ممکن است بارها استفاده شود. بسیار روشن است که ضعف اقتصادی بر روی دولت آمریکا فشار خواهد آورد. ما نیز به این منظور سعی داریم مردم را در خصوص تحریم آگاه کنیم.»

محمد خیر موسی، عضو اتحادیه علمای مسلمان جهان نیز با بیان اینکه آمریکا نه تنها قدس بلکه تمامی مسلمانان را مورد هدف قرار می دهد، گفت: جهان اسلام موظف به جهاد است.

اشرف دوابه، عضو اتحادیه علمای مسلمان جهان نیز خواستار تحریم کالا های آمریکایی وعدم استفاده از دلار شد.

۱۶ سال زندان برای داشتن فایل‌های صوتی قرآنی



مقامات چینی در منطقه‌ی سین‌کیانگ در شمال غربی این کشور، یک مرد مسلمان قزاق را به دلیل داشتن فایل‌های صوتی قرآنی به ۱۶ سال و نیم زندان محکوم کردند.

مسلمان ۴۵ ساله از سوی دادگاهی در چین در حالی به تحمل ۱۶ سال و نیم حبس محکوم شده که حتی اجازه برگزاری دادگاه تجدید نظر برای پرونده وی نیز داده نمی‌شود.

خواهر منات که در کشور همسایه، قزاقستان، زندگی می‌کند، گفت: خانواده تلاش زیادی برای کمک به برادرم کردند اما مقامات چینی از دادن هرگونه اطلاعات در مورد وی و یا پذیرفتن اینکه وکیلی برای او استخدام کنیم، اجتناب می‌کنند.

وی افزود: ما هیچگونه ابلاغیه رسمی دریافت نکردیم و زمانی مطلع شدیم که وی به ۱۶ سال حبس محکوم شده بود. به ما گفتند که وی وکیل داشته اما هرگز موفق به تماس گرفتن با او نشدیم.

وی به دلیل داشتن فایل‌های صوتی قرآنی، در ابتدا به اتهام «انتشار مطالب صوتی و تصویری تروریستی» و «تحریک نفرت نژادی و تبعیض نژادی» دستگیر و در یک دادگاه محرمانه محکوم به حبس شد و هیچ دسترسی به خانواده و وکیل ندارد.

فعالیت ۱۴ هزار مدرسه‌ی قرآنی در مراکش



وزیر اوقاف و امور اسلامی مراکش از فعالیت بیش از ۱۴ هزار مدرسه قرآنی در این کشور خبر داد.

احمد توفیق در سخنانی اعلام کرد: ۴۵۰ هزار قرآن‌آموز که ۴۰ درصد آن‌ها را دختران تشکیل می‌دهند در این مدارس به یادگیری قرآنکریم مشغول هستند.

توفیق با اشاره به نقش مدارس قرآنی در مراکش، اعلام کرد: ۳۰۰ مدرسه‌ی قرآنی جدید به زودی در مراکش افتتاح خواهند شد.

وی افزود: بسیاری از مدارس قرآنی مراکش بازسازی شده یا به تازگی ساخته شده‌اند تا این کشور را برای مقابله با افراط‌گرایی قدرتمندتر کنند.

دولت مراکش معتقد است که مدارس قرآنی محافظی در برابر انتشار افراط گرایی مذهبی هستند.

در مراکش، هرگاه که یک مسجد ساخته می‌شد، در کنارش یک سالن بزرگ برای آموزش قرآنکریم به کودکان از سن ۵ سال به بالا نیز می‌ساختند. در این مدارس قرآنی، کودکان صرف نظر از پیشینه‌ی اجتماعی شان، به حفظ آیات قرآنکریم می‌پردازند.